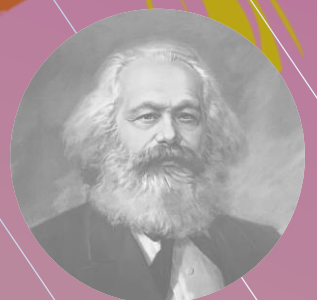
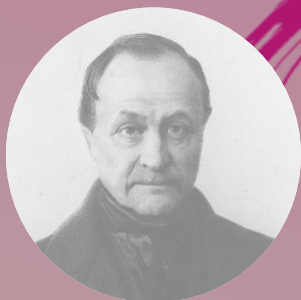




# شماره ۱ چستی شناسی جامعه

## نیز جامعه

نشریه علمی تحلیلی، بهار ۱۴۰۳





نشریه علمی تحلیلی نابض جامعه

شماره مجوز نشریه: ۶۴۴۵  
شماره یکم، بهار ۱۴۰۳  
صاحب امتیاز: انجمن علمی جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند  
زمینه انتشار: علمی، فرهنگی، اجتماعی

مدیر مسئول: مطهره قائمی فر  
سردبیر: فاطمه نظریور  
دبیر اجرایی: مهدیه حاتمی  
استاد مشاور: دکتر حمید مسعودی  
طراح جلد و صفحه‌آرا: محمدرضا خلیلی  
ویراستار: نازنین حکیمی

اعضای هیأت تحریریه:  
مطهره قائمی فر، مهدیه حاتمی، فاطمه نظریور،  
محمدرضا خلیلی، سارا نوکی، مهلاطهماسبی،  
سعیده نیکونسب، نازنین حکیمی، محمدمبین بلیدئی،  
کیانارضائیان، یگانه چراغی

پذیرای افکار نو و ایده‌های کارآمد شما هستیم...



@Birsociology  
@Birsocial  
@nabzejamee

## فهرست

- |    |                  |   |
|----|------------------|---|
| ۴  | فاطمه نظرپور     | سرمقاله   |
| ۵  | یگانه چراغی      | معنای انسان بودن چیست؟  |
| ۷  | نازنین حکیمی     | عوامل تاثیرگذار بر میزان مشارکت اجتماعی                       |
| ۹  | فاطمه نظرپور     | در سایه خشونت   |
| ۱۱ | مطهره قائمی‌فر   | معرفی کتاب جامعه‌شناسی خودمانی                                |
| ۱۲ | نازنین حکیمی     | نقدی جامعه‌شناختی بر هرم نظام سرمایه‌داری                     |
| ۱۴ | سارا نوکی        | مسئله آب و همبستگی اجتماعی                                    |
| ۱۵ | کیانا رضائیان    | بررسی اجتماعی و سیاسی داستان‌های شاهنامه                      |
| ۱۶ | محمد مبین بلیدئی | موسیقی و جامعه‌شناسی  |
| ۱۸ | طهماسبی، نیکونوب | نقد و بررسی جامعه‌شناختی فیلم مغزهای کوچک زنگ زده             |
| ۱۹ | مطهره قائمی‌فر   | مرگ خاموش رزیدنت‌ها   |
| ۲۰ | محمد رضا خلیلی   | کوروش کمپانی و خدشه‌دار شدن اعتماد اجتماعی                    |
| ۲۱ | فاطمه نظرپور     | مصاحبه با دکتر حمید مسعودی پیرامون چیستی جامعه‌شناسی          |
| ۲۴ | کیانا رضائیان    | چالش‌های دانشگاهی، خوابگاه دانشجویی                           |
| ۲۵ | محمد رضا خلیلی   | جامعه‌شناسی خانواده، نگاهی اجمالی به نظام‌های خانواده در دنیا |



## ● سرمقاله



فاطمه نظریور

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۰)

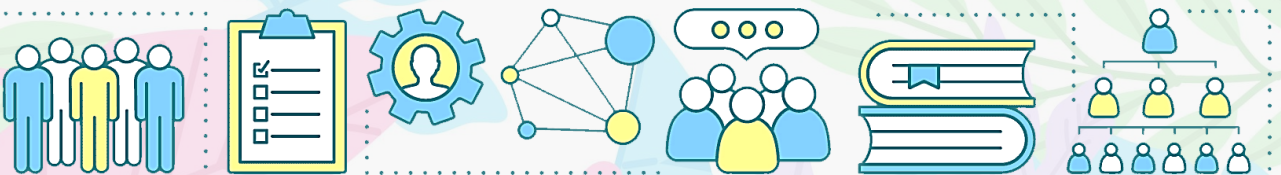
با سلام و احترام به خوانندگان عزیز در این شماره از نشریه نبض جامعه، با افتخار به شما خوش آمد می‌گوییم. چپستی جامعه‌شناسی عنوانی است که در این شماره به آن پرداخته خواهد شد و سعی می‌کنیم این رشته و حوزه‌های متنوع آن را بصورت اجمالی معرفی کنیم تا زمینه آشنایی بیشتر اعضای جامعه با این حوزه علمی را فراهم کنیم. جامعه‌شناسی یک دیدگاه است. یعنی شیوه تفکر، نگرستن به جهان و پژوهش درباره آن. جامعه‌شناسی توجه خود را به انسان به منزله عضو جامعه متمرکز می‌کند. بنابراین برای همه ما که می‌خواهیم خودمان را بشناسیم مسائل جامعه‌شناسی باید اهمیت داشته باشد.

همچنین در این شماره از نشریه سعی کردیم در کنار معرفی این رشته به تحلیل جامعه‌شناختی مسائل و مشکلاتی که گریبان‌گیر جامعه ایران شده است بپردازیم. مطالب جذاب، متنوع و نقدهای اجتماعی را بررسی کنیم تا شاید بتوانیم به بهبود وضعیت جامعه خود کمک کنیم.

با تشکر از حمایت و همراهی شما عزیزان و تمامی دوستانی که در تهیه این شماره از نشریه همکاری کردند. امید است که از مطالب این شماره لذت ببرید و توانسته باشیم که مطالب مفیدی را به دانش و اطلاعات شما افزوده باشیم.



بازگشت به فهرست



# SOCIOLOGY





## معنای انسان بودن چیست؟

اما معنای «اجتماعی» بودن چیست؟ در ساده‌ترین معنا یعنی انسان‌ها برای بقای خود به دیگران نیاز دارند. حتی کودکان برای بقای فیزیکی خودشان به بزرگسالان نیاز دارند.

و حتی بزرگسالان نیز به دیگران نیازمندند. ما برای بقای فیزیکی خود به دیگران وابسته‌ایم. بنابراین بقای انسان امری اجتماعی است: تقریباً همه نیازهای فیزیکی، عاطفی و روانی ما از طریق کنش متقابل با دیگران برآورده می‌شوند.

دیگران نه تنها برای برآوردن نیازهای ما مهم هستند بلکه برای آموختن شیوه‌های بقا به ما نیز، اهمیت دارند. ما کارهای بسیار اندکی را به طور غریزی می‌توانیم انجام دهیم. منتها ما تازه واردی هستیم که نمی‌دانیم چگونه در جهان خود به سر ببریم. در واقع ما برای بقای خود در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم باید هزاران چیز یاد بگیریم. از آموختن الفبا تا یاد گرفتن اینکه چگونه دیگران را از دستبرد زدن باز داریم.

اجتماعی‌شدن علاوه بر نشان دادن شیوه‌های بقا برای ایجاد ویژگی‌های فردی ما نیز ضروری است. استعدادها، سلیقه‌ها، ارزش‌ها، عقاید و اندیشه‌ها، ویژگی‌هایی نیستند که هنگام تولد داشته باشیم بلکه خصوصیات هستند که از طریق اجتماعی‌شدن در خانواده، مدرسه، گروه همسالان و حتی رسانه‌ها پیدا می‌کنیم. آنچه می‌شویم به علت ترکیب پیچیده‌ای از وراثت و اجتماعی‌شدن است.

درک این نکته مهم است که فرایند اجتماعی‌شدن بسیار پیچیده است. اجتماعی‌شدن نه تنها شامل یادگیری چیزهاست بلکه متضمن الگوسازی رفتار انسان برپایه رفتار افرادی است که به آن‌ها احترام می‌گذاریم.

اجتماعی‌شدن ممکن است کاملاً تعیین نکند که ما چه هستیم، اما تأثیر آن را به آسانی نمی‌توان انکار کرد. آنچه که هر یک از ما شده‌ایم بیشتر می‌تواند به کنش متقابل ما با دیگران نسبت داده شود. بنابراین ویژگی‌های فردی ما در این معنا واقعاً ویژگی‌های اجتماعی هستند.



### یگانه چراغی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۲)

انسان چیست؟

چه چیزی ما را انسان می‌سازد؟

از چه لحاظ ما شبیه همه موجودات زنده دیگر هستیم؟

در چه چیزهایی اشتراک و تفاوت داریم؟

ماهیت و جوهر نوع ما چیست؟

آیا ما بی‌همتاییم؟ اگر بی‌همتاییم، چگونه بی‌همتا هستیم؟

این پرسش‌ها احتمالاً انسان اندیشمند را از همان آغاز هستی

انسان آزار داده‌است.

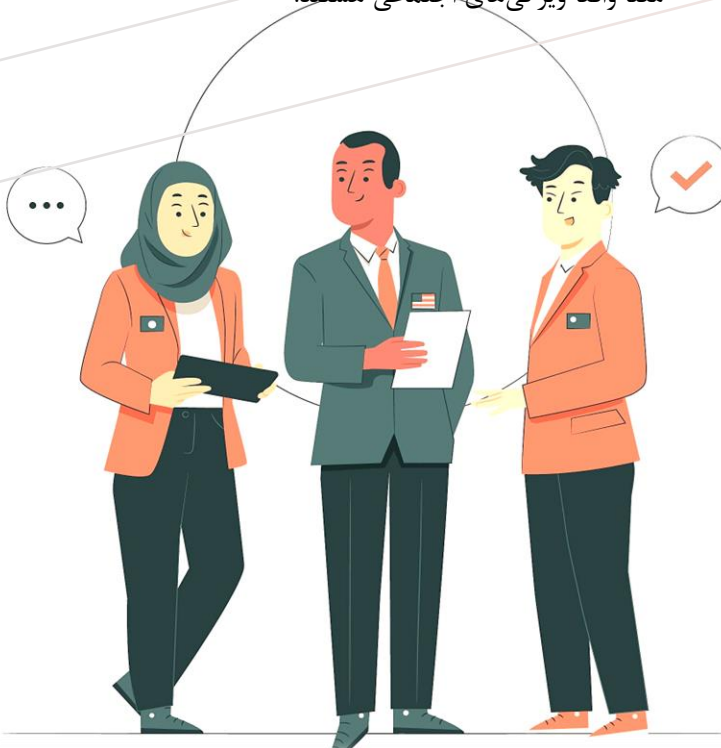
می‌توانیم با شناخت این موضوع آغاز کنیم که ما خصوصیات مشترک بسیاری با حیوانات دیگر داریم. انسان‌ها از گروه پستانداران هستند، به این معنا که آن‌ها خون گرم و بچه‌زا هستند و جنس ماده از بچه پرستاری می‌کند.

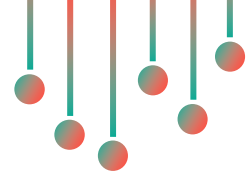
فیلسوفان ادعاهای گوناگونی را درباره اینکه خصیصه برجسته یا ویژگی اساسی ما چیست مطرح کرده‌اند. آن‌ها به توانایی ما انسان‌ها در ساختن و کاربرد ابزارها، دوست‌داشتن، شناختن درست از نادرست، احساس کردن، اندیشیدن و یا استفاده از زبان اشاره کرد. رهبران دینی تأکید می‌کنند که ما دارای روح و وجدان هستیم. حتی ممکن است تأکید کنند که ما به صورت خداوند آفریده شده‌ایم یا اینکه ما خودخواه و گناهکاریم.

روان‌شناسان ممکن است بر این واقعیت تأکید کنند که انسان‌ها غریزی هستند و شخصیت ناخودآگاهشان محرک آن‌هاست که مانند بسیاری حیوانات دیگر شرطی می‌شوند.

جامعه‌شناسان معتقدند که ویژگی‌های بی‌همتای ما این است که ما اولاً اجتماعی هستیم؛ از این نظر که زندگی ما به شیوه‌های گوناگون و پیچیده‌ای با دیگران و جامعه پیوند دارد و دوماً فرهنگی هستیم؛ یعنی آنچه می‌شویم نتیجه غریزه نبوده بلکه نتیجه عقاید، ارزش‌ها و قواعدی است که در جامعه ما به وجود آمده‌اند. برای شناختن نوع انسان پی بردن به اینکه این دو ویژگی اصلی چگونه وارد زندگی ما می‌شوند مهم است و البته شناخت رابطه متقابل پیچیده بین جامعه و فرهنگ اهمیت دارد. در معنای کلی بسیاری از حیوانات موجودات اجتماعی هستند. مثلاً ماهی‌ها اجتماعی هستند از این نظر که به صورت گروهی شنا می‌کنند.

ادعای اینکه نخستین انسان‌ها اجتماعی بوده‌اند صرفاً شناخت این واقعیت است که زندگی اجتماعی ما همیشه برایمان مهم بوده‌است و انسان‌ها هرگز بدون این خصیصه وجود نداشته‌اند.





شده‌ای هستند که از آن‌ها برای برقراری ارتباط استفاده می‌کنیم و هنگامی که برای ارتباط با خود از آن‌ها استفاده می‌کنیم آن را اندیشیدن می‌نامیم.

انسان‌ها در جامعه نسبت به محیط‌شان بینش مشترکی دارند. این بینش مشترک گاهی فرهنگ نامیده می‌شود که مجموعه‌ای از اندیشه‌ها، ارزش‌ها، هنرها و نمادهاست که مردم به عنوان راهنمایی برای درک و تسلط بر خود به کار می‌برند.

از یک طرف فرهنگ به این معناست که ما جهان را بر طبق زندگی اجتماعی خود می‌بینیم. از جهت دیگر به این معناست که ما به جهان خود معنا می‌بخشیم.

ماکس وبر در تمام آثارش بر این نکته مهم تأکید می‌ورزد که ما در جهانی از معنا زندگی می‌کنیم.

وبر توجه خود را بر تأثیر فرهنگ دینی متمرکز می‌سازد. برای مثال نشان داد که در قرن هفدهم آیین پروتستان تأثیر مهمی بر شیوه رفتار افراد در دنیای کار داشت.

اجتماعی بودن به این معناست که ما انسان‌ها برای ادامه‌ی بقای خود به دیگران و برای یادگیری شیوه‌های بقا به اجتماعی شدن نیازمندیم. نقطه اوج اجتماعی شدن کنش متقابل اجتماعی است.

اجتماعی شدن خصیصه‌های فردی ما را ایجاد می‌کند و کنش متقابل اجتماعی برای تکامل ذات و گوهر ما مهم است؛ کنش متقابل اجتماعی خصیصه‌های اصلی ما یعنی کاربرد نمادها، هویت فردی و ذهن را ایجاد می‌کند.

و ما به هر دلیلی سراسر زندگی خود را در کنش متقابل و در درون جامعه می‌گذرانیم.

فرهنگی که ما یاد می‌گیریم بخشی از هستی ما هست و بر هر جنبه‌ای از زندگی تأثیر دارد. بر خلاف موجودات دیگر این طبیعت نیست که به ما فرمان می‌دهد بلکه فرهنگ این کار را انجام می‌دهد و این فرهنگ را ما باز تولید می‌کنیم.

در هر مرحله از زندگی دیگران به ما می‌آموزند یا نشان می‌دهند که چگونه باید رفتار کنیم. به چه باید بیندیشیم و ما که هستیم. اجتماعی شدن کنشگر فردی را شکل می‌دهد. انسانیت ما گواه اهمیت زندگی اجتماعی ماست.

شاید جامعه‌شناس در این معنا مبالغه کند که انسانیت ما تنها از طریق کنش متقابل اجتماعی پدید می‌آید. ما به هنگام تولد موجوداتی ناتمام هستیم که می‌توانیم مانند انسان‌های دیگر رفتار بالقوه داشته باشیم اما آن توانایی بالقوه ما تنها از طریق زندگی اجتماعی ما بالفعل می‌شود. انسان‌ها تنها از طریق کنش متقابل با دیگران خودآگاهی پیدا می‌کنند و خودآگاهی یکی از ویژگی‌های اساسی انسان به شمار می‌آید. ما خود را از نگاه، گفتار و کنش‌های دیگران می‌بینیم. از طریق اجتماعی شدن است که ما خود را به عنوان آبژه (من وجود دارم؛ من زندگی می‌کنم و خواهم مرد؛ من فکر و رفتار می‌کنم) در محیط می‌بینیم.

هویت فردی بسیاری خصایص را امکان پذیر می‌سازد. از توانایی جایگاهمان در یک وضعیت یا در جهان تا توانایی قضاوت درباره‌ی رفتار خودمان تا توانایی تسلط بر کنش‌هایمان از طریق هدایت خودمان در وضعیت‌ها.

به طور مشخص ما می‌توانیم سه کار انجام دهیم زیرا دارای هویتی فردی هستیم:

نخست می‌توانیم اثرات کنش‌های خودمان را ببینیم و درک کنیم و اثرات کنش‌های دیگران را بر خودمان ببینیم و درک کنیم. دوم: هویت فردی همچنین توانایی قضاوت درباره‌ی خودمان را به ما می‌دهد.

سوم: خود همچنین به معنای خویشتن‌داری و کنترل بر خود است. یعنی توانایی ما در هدایت کنش‌های خودمان.

جرج هربرت مید جامعه‌شناسان را آگاه کرد که توانایی اندیشیدن رابطه‌ی نزدیکی با هویت فردی و کاربرد نمادها دارد.

جرج مید این توانایی را ذهن نامید. نمادها بازنمایی‌های توافقی







## Social contribution

### عوامل تأثیرگذار بر میزان مشارکت اجتماعی

در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۲، ۴۰.۶ درصد بوده است. در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۸ نیز به ترتیب میزان مشارکت مردم ۶۱.۶۴٪ و ۴۲.۵۷٪ بوده است. کمترین میزان مشارکت مردم در انتخابات نیز مربوط به سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۴۰۲ می‌باشد و بیشترین میزان مشارکت در انتخابات در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ بوده است.

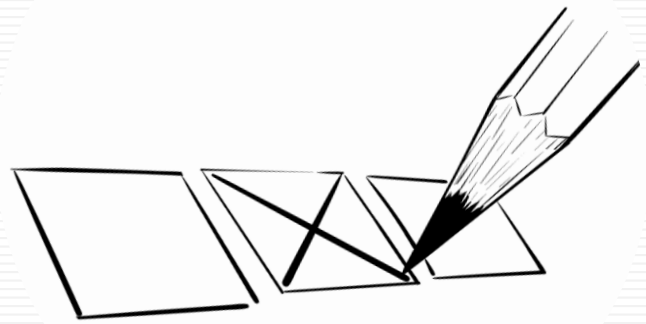
حال سوالی که برای افراد ایجاد می‌شود این است که چه اتفاقی باعث کاهش مشارکت مردم شده است؟ همانطور که در سطور بالاتر به آن اشاره شد مشارکت، تمامی جنبه‌های حیات را در بر می‌گیرد. مثل دین، اقتصاد، سیاست، فرهنگ و... و این به این معناست که مردم باید نسبت به تمامی بخش‌های حیات خود احساس امنیت و آرامش داشته باشند تا مشارکت رخ دهد. مسئله‌ای که بیشتر در اذهان عمومی جلب توجه می‌کند و تأثیرگذار است جنبه اقتصادی است. و یکی از این موارد اقتصادی که بیشتر از همه به چشم می‌خورد بحث نابرابری است.

#### نازنین حکیمی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۱)



مشارکت مردمی یکی از ارکان مهم هر جامعه است که اگر از بین برود بقای آن جامعه نیز به خطر می‌افتد. اما در ابتدا نیاز است تا با مفهوم مشارکت اجتماعی آشنا شویم و بدانیم که مشارکت اجتماعی در کدام ارگان و یا سازمان‌هایی از ارزش و الایی برخوردار است. مشارکت در دایره‌المعارف علوم اجتماعی به معنای شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و بطور کلی تمامی ابعاد حیات می‌باشد. بحثی که در اینجا به آن می‌پردازیم مشارکت مردم در انتخابات سال ۱۴۰۲ خواهد بود و طبق آمار مربوط به شرکت کنندگان



است این قشر دست به کارهایی بزنند که به نفع دولت نباشد و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر جای بگذارد.

این نشان می‌دهد که چقدر کار رسانه‌ها حساس است. بدلیل این که تنها راه ارتباطی بین مردم و دولت بوده و بیشترین تأثیر را بر جوانان دارد. نکته سوم که بر میزان مشارکت مردم می‌تواند تأثیرگذار باشد میزان آزادی افراد و پاسخگویی به درخواست افراد تمامی اقشار است. اگر گروهی از مردم درخواستی از دولت داشته باشند و طی ارسال درخواست‌های فراوان نتیجه‌ای نینینند، از دولت و حتی تمامی سازمان‌های دولتی قطع امید کنند. نقش دیگر سازمان‌ها چیست و چرا افراد از آنها نیز قطع امید می‌کنند؟ بدلیل این که ممکن است بخشی از افراد که خیلی با سازوکار دولت و سازمان‌ها آشنایی نداشته باشند تمامی بخش‌های اداری را یکی دانسته و اعتمادشان را نسبت به تمامی سازمان‌ها از دست بدهند و حتی رفتارهای خشن و مبتذل نشان دهند. پس دولت و دیگر سازمان‌ها باید باهم همکاری کرده و نسبت به درخواست‌های افراد توجه نشان داده و آن‌ها را عملی کنند تا افراد بتوانند به دولت بعنوان یک پشتیبان تکیه کنند و بتوانند به راحتی و فارغ از هرگونه بیم و ناامیدی درخواست خود را اعلام کرده و نتیجه بگیرند.

آزادی نیز جنبه‌های متفاوتی دارد که می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. اما در جامعه امروزه بیشترین آزادی‌ای که افراد جامعه به آن نیاز دارند آزادی در بیان است. درست است که آزادی در بعضی از موارد موجب ایجاد بی‌نظمی و هراس می‌شود اما آزادی بیان باعث ایجاد دموکراسی می‌شود و زمانی که دموکراسی یعنی آزادی در بیان، حقوق اقلیت‌ها و رضایت افراد از حاکمان خود بوجود آید بدنبال آن خلاقیت نیز افزایش یافته و افراد بهتر می‌توانند به پیشرفت جامعه خود کمک کنند و حتی مشکلات آن جامعه را برطرف کنند. پس برای افزایش میزان مشارکت مردمی در تمامی فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باید تمامی موارد ذکر شده یعنی: کاهش نابرابری اقتصادی، افزایش اعتماد مردم به رسانه به وسیله اخبار درست و سوگیری نشده، ایجاد فضایی امن برای آزادی بیان مردم و پاسخ سریع و مناسب به درخواست‌های تمامی مردم باید توجه نشان داد تا بدنبال افزایش اعتماد اجتماعی، مشارکت مردمی هم افزایش پیدا کند.

زمانی که نابرابری در درآمد، ثروت و قدرت بین مردم افزایش یابد از سوی دیگر افرادی که به این منابع دسترسی کمتری دارند احساس پوچی و ناکارآمد بودن می‌کنند و به نوعی خود را طرد شده از جامعه فرض می‌کنند. همانطور که کارل مارکس درباره بحث نابرابری اینگونه می‌نویسد: " برای کاهش نابرابری بین افراد نیاز است تا ارزش و اصالت بر کار باشد تا ثروت."

اما چه چیزی باعث تداوم و افزایش نابرابری در جامعه می‌شود؟ تقسیم کار و نابرابری در تقسیم منابع و نقطه شروع افراد باعث ایجاد، افزایش و تداوم یافتن نابرابری می‌شود. تقسیم کار که از اولین روزهای آغاز زندگی بشر وجود داشته است باعث ایجاد مالکیت خصوصی شده و این مالکیت خصوصی است که به تداوم یافتن نابرابری کمک می‌کند. تقسیم نادرست منابع نیز با ایجاد تفاوت در نقطه شروع افراد به تداوم یافتن نابرابری کمک می‌کند.

مورد بعدی که مشارکت مردمی را کاهش می‌دهد تأثیر رسانه‌ها است. مردم زمانی در برنامه‌های اجتماعی و سیاسی مشارکت نشان می‌دهند که سوای از امنیت مالی اعتماد نسبتاً خوبی هم به رسانه‌ها داشته باشند. موردی که شاید خیلی جلب توجه نکند اما می‌تواند تأثیر بسزایی در میزان مشارکت مردمی داشته باشد.

بین دولت و ملت همواره فاصله است و اگر قرار باشد سازمان یا گروهی به کم کردن این فاصله کمک کند آن رسانه‌های جمعی بوده است که از روزنامه و رادیو تبدیل به تلفن همراه، تلویزیون و ... شده است. حال اگر این رابط دیگر نتواند نیاز مردم را برطرف کند چه خواهد شد؟

اگر رسانه که بنظر میرسد تنها راه ارتباطی بین ملت و دولت است با بی‌اعتمادی آسیب ببیند آسیب‌های جبران‌ناپذیری از خود برجای می‌گذارد که کاهش مشارکت‌های مردمی نیز شامل این موضوع میشود و ممکن است تا مدت‌ها نتوان این بی‌اعتمادی را جبران کرد. بخصوص که امروزه تلفن‌های همراه بدلیل حمل ساده و جستجوی دستی راحت جایگزین تلویزیون و اخبار شده‌اند. و فضای مجازی با دنبال کردن الگوریتم‌های دسته‌بندی شده اخباری را که مخاطبش می‌خواهد به او ارائه می‌کند که این خود به تنهایی میتواند این آسیب را دوچندان کند.

جوانان قشر مهمی در جامعه هستند که معمولاً دولت‌ها بیشتر سرمایه‌گذاری‌شان را برای این قشر در نظر می‌گیرند تا بتوانند از انرژی، خلاقیت و اراده آن‌ها سودی برده و کشور را در راه پیشرفت قرار دهند. اما متأسفانه اگر در جامعه بی‌اعتمادی نسبت به رسانه ایجاد شود این قشر سریع‌تر و به میزان بیشتری به این سازمان بی‌اعتماد می‌شوند و ممکن

بازگشت به فهرست





## ● در سایه خشونت



فاطمه نظریور

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۰)

در این بخش با بررسی سه کشور کنگو، زامبیا و موزامبیک، که کشورهای فقیری به حساب می‌آیند به دنبال یافتن ویژگی‌های ضد توسعه در یک کشور می‌باشیم. این کشورها دارای منابع طبیعی، منابع خام و معدنی، کشاورزی، منابع بزرگ انرژی می‌باشند. کشور موزامبیک از تولیدکنندگان بزرگ گاز مایع است.

این سه کشور کشورهای وسیع آفریقایی با سابقه استعماری گسترده، درگیر در جنگ‌های داخلی با انواع گروه‌های مسلح بودند که همان ویژگی نظم دسترسی محدود شکننده است. بعد از استقلال درگیر جنگ داخلی شدند و هر سه کشور در دهه ۱۹۹۰ میلادی به ثبات نسبی رسیدند و وارد نظم دسترسی محدود پایه شدند.

از سال ۱۹۶۵ تا ۲۰۱۳ در کنگو سه رژیم مختلف بر سر کار آمدند که دارای ویژگی‌های مشترکی مانند: ۱- شخصی‌سازی قدرت در چارچوب یک حزب حاکم ۲- اتکا به وفاداری‌های قومی و جغرافیایی ۳- بهره‌گیری از انگیزه‌ها برای تثبیت یک گروه کوچک از نخبگان اما وفادار به خودشان ۴- اتکای شدید به شرکای خارجی در موقع بحران بودند. منابع طبیعی این کشور سبب شد غرب توجه خاصی به این کشور داشته باشد. در زمان موبوتو سسکو این کشور از حمایت خارجی برخوردار شد و برای پایداری حکومت به جریان ثابتی از منابع احتیاج داشت. انتظاراتی که موبوتو از مردمش داشت این بود که تمامی مناصب مهم بر طبق میل حاکم واگذار شوند و تاکید دائمی بر سرسپردگی و چاکری شخصی از واجبات است. کمترین سوءظنی در زمینه سست شدن وفاداری، زمینه برای حذف فوری به شمار می‌آید و این چنین چاکری در وضعیت ناامنی قرار دارد. مقام دولتی هیچ ابتکاری به خرج نمی‌دهد و از آنجایی که نمی‌داند تا کی در قدرت است سعی می‌کند تا هست مال اندوزی کند و حاکم هم برای حفظ حکومتش مجبور است به این گونه مال اندوزی‌ها رضایت بدهد و بر خطاها حتی اگر دوست نداشته باشد هم چشم‌پوشد. این گونه افراد فقط ابزار حفظ قدرتند و این وضعیتی است که در دوران موبوتو سه‌سکو مثل بقیه دیکتاتورهای حاکم است. یعنی مجموعه‌ای از بروکرات‌های فاقد ابتکار عمل و وفادار اما بدون تخصص و مال اندوز و در نهایت زوال نظام اداری و کیفیت حکمرانی را رقم می‌زنند.

به تدریج شرکت‌های کلیدی که گاو شیرده اقتصاد کنگو بودند از کار افتادند و حکومت به سراغ بانک مرکزی به عنوان منبع تأمین مالی رفت که باعث افزایش نرخ تورم گردید. ملی کردن و مصادره اموال نیز از دیگر راهکارها بود که جواب نداد. پس از آن بحران‌های خارجی نیز از راه رسید و روابط با متحدان خارجی از جمله آمریکا دیگر مناسب نبود. این اتفاقات باعث تضعیف ارتش در اثر عدم پرداخت حقوق‌ها شد. پس از آن با حمایت کشورهای همسایه، لوران کابیلا به قدرت رسید. او برای مبارزه با فساد و ناکارآمدی اعتماد به نفس زیادی داشت که این برای آینده کشور خوشایند نبود. در دولت لوران کابیلا رانت‌جویی از معادن، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی شروع می‌شود و همزمان عدم کنترل درگیری و خشونت در شرق کشور باعث درگیری‌اش با اوگاندا و رواندا (دو کشور همسایه) می‌شود و در نهایت توسط یکی از محافظانش کشته می‌شود. بعد از او در سال ۲۰۰۱ ژوزف کابیلا پسر لوران کابیلا در حالی که ۲۹ سال داشت به قدرت می‌رسد که کار چندانی نمی‌تواند انجام دهد. نکته مهمی که در تجربه کنگو وجود دارد این است که وقتی دولت‌ها ساختار نهادی ضعیفی پیدا کنند، از پشتوانه مردمی هم برخوردار نیستند و از تشکیل دادن ارتش قوی هم می‌ترسند زیرا ارتشی قوی همان قدر که ممکن است از دیکتاتور حمایت کند ممکن است تهدیدی برای رژیم حاکم نیز باشد. همچنین زمانی که ائتلاف مسلط توافقی ندارند و توافقی هم با فرودستان نیز وجود ندارد، ضعف و زوالی پیش می‌آید که امنیت را از میان می‌برد و نارضایتی از نبود امنیت و فراهم نشدن کالاهای عمومی افزایش پیدا می‌کند. اهداکننده‌های بین‌المللی برای مقابله با مالاریا به کنگو پشه بند اهدا و ارسال می‌کردند و این اتفاق مناقشاتی را در پی داشت که افتخار آوردن این پشه‌بندها به نام چه کسی تمام شود. این گونه مناقشات را در بعضی از کشورها می‌توان مشاهده کرد اما به طور کلی در نظم‌های دسترسی محدود این موارد نیز می‌تواند مناقشه ایجاد می‌کند.

به طور خلاصه کنگو، کشوری که در فردای استعمار به استقلال رسید از نظر ظرفیت تصمیم‌گیری، هماهنگی، تخصیص منابع و اجرای تصمیم‌هایی که گرفته می‌شود به علت قرار گرفتن در منطقه پرآشوب و وجود تنوع قومی و زبانی و سرایت خشونت از خارج دچار ضعف جدی بود. در نظم‌های دسترسی محدود زامبیا و موزامبیک ثبات سیاسی منوط به همکاری مؤثر میان فرادستان در زمینه دسترسی و توضیح‌های اقتصادی است به صورتی که رقابت بر سر رانت‌ها خطر اختلال خشونت بار در نظم اجتماعی موجود را در بر دارد و نظام‌های دسترسی باز فقط به عنوان نقطه اوج و محصول نهایی یک فرایند تاریخی طولانی و کاملاً گریزناپذیر پدید می‌آیند. با تکیه بر مفهوم توازن دوگانه می‌توان گفت تداوم در نظم اجتماعی و سیاسی بدون خشونت مستلزم توازن بین چهار عنصر: نهادهای سیاسی رسمی، نهادهای اقتصادی رسمی، گروه‌های فرادست اصلی داخلی و منابع رانت. این توازن که بهم بخورد خشونت به قاعده بازی تبدیل می‌شود.

در سال ۱۹۷۴ موزامبیک استقلال پیدا کرد و از سیطره کشور پرتغال خارج شد. در موزامبیک نهادهای نظم دسترسی محدود از همان اوایل استقلال مستقر شدند. بعد از استقلال موزامبیک رژیمی تک حزبی مارکسیست در موزامبیک به قدرت می‌رسد و باور به ایدئولوژی مارکسیستی کشور را به سمت دولتی کردن اقتصاد هم پیش می‌برد. اتحاد بین فرادستان بعد از استقلال موزامبیک فروپاشید و وضعیت به سمت وخامت جنگ داخلی پیش رفت. این جنگ در سال‌های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۲ یعنی ظرف هشت سال باعث شد ۹۰۰ هزار نفر کشته شوند و چهار میلیون آواره به جا بماند. دلیل ایجاد جنگ پس از استقلال موزامبیک این بود که رژیم‌های اقلیت سفید پوست در آفریقای جنوبی از قدرت گرفتن حکومتی مارکسیست در مرزهای خودشان به شدت ترسیده بودند. پس از فروپاشی شوروی ایدئولوژی مارکسیست دیگر آن جاذبه جادویی قبل را نداشت. پس از آن توافق بین فرادستان موزامبیک ممکن شد و نوعی از توازن قوا شکل گرفت. این توازن قوا به طور نسبی تا به امروز دوام آورده است. به طور خلاصه در دو حالت بودن یا نبودن توافق بین فرادستان نتایج کاملاً متفاوتی برای سیاست و اقتصاد رقم می‌خورد. زیاده خواهی‌های فرادستان و نرسیدن به توافق، جنگ داخلی و زوال اقتصادی را به همراه داشت و شکل گیری توافقات به ۳۰ سال ثبات نسبی در موزامبیک با افزایش رشد اقتصادی در زامبیا منجر شد. توجه به این واقعیت که نظم‌های دسترسی محدود هم می‌توانند عرصه‌هایی از گشودگی داشته باشند مهم است. نتایج این گشودگی‌ها حکمرانی تک حزبی شکسته شده و آزادسازی محدودی بوده که برای رقابت اقتصادی فضا و فرصت برای شکوفایی ایجاد می‌کند.

تجربه کنگو زامبیا و موزامبیک نشان می‌دهد وقتی فرادستان استعمارگر قدرت را ترک می‌کنند، فرادستان دیگری از راه می‌رسند که نظم دسترسی محدود را برقرار می‌کنند. در آخر مقایسه مختصر و درس آموز این سه کشور نشان می‌دهد علی‌رغم غنی‌تر بودن کنگو بدلیل فقدان توافقات بین فرادستان وضعیت بدتری را رقم زده است. هر سه کشور نظم‌های دسترسی محدودی هستند که در دو مورد از آن‌ها یعنی در زامبیا و موزامبیک توافقاتی بین نخبگان پدید می‌آید و توسعه را حتی در شرایط نظم دسترسی محدود فراهم کرده است. شواهد نشان می‌دهد کنگو در فقدان این توافقات راه دشوارتری پیش رو دارد.



بازگشت به فهرست

با وجود اینکه کشور زامبیا صنعتی بود و کشور موزامبیک بر پایه کشاورزی بود، اما هر دوی آن‌ها با یک مشخصه خیلی مهم یعنی فقر و نابرابری شدید بین جمعیت بومی مواجه شدند و با همین مشخصه وارد دوران پساستعمار می‌شوند. زامبیا در دوره اول با مجموعه‌ای از نهادهای دموکراتیک وارد دوران پساستعمار می‌شود اما خیلی زود متوجه می‌شوند که این نهادها نمی‌توانند ثبات فرادستان را ایجاد کنند. در دوره دوم در سال ۱۹۷۲ با یک قانون اساسی مبتنی بر نظام تک‌حزبی و گسترش سیطره دولت بر اقتصاد شروع می‌شود و ۱۸ سال یعنی دورانی از نظم دسترسی محدود پایه در این کشور دوام می‌آورد. دوره سوم دل‌بران‌های دوره دوم در سال ۱۹۹۱ با انتخاب چند حزبی و آزادسازی سریع بازارها شروع می‌شود.

یکی از اثرات مثبتی که استعمار این گونه کشورها باقی می‌گذارد متحد شدن گروه‌های متفاوت با واگرا و حتی متضاد علیه استعمار برای رسیدن به استقلال است اما به محض رسیدن به استقلال اختلافات این گروه‌های متضاد و واگرا سر باز می‌کند و مناقشات شروع می‌شود. مشکلی که این کشورها با آن مواجه می‌شوند این است که وقتی مستقل می‌شوند قانون اساسی دموکراتیک و انتخابات هم برقرار می‌شود اما ترکیب نهادهای سیاسی و فرادستان همانگونه باقی می‌ماند و میان نهادهای سیاسی و اقتصادی توازن به وجود نمی‌آید و نهادهای سیاسی به دسترسی باز تبدیل می‌شوند اما نهادهای اقتصادی کماکان در دسترس فرادستان باقی می‌مانند.

در زامبیا در سال ۱۹۹۱ با توجه به تحولات به سمت نظام چند حزبی انتخاباتی حرکت کردند که محصول وضعیت بی‌ثباتی بود. شکست آن نظم دسترسی محدود مبتنی بر نظام تک حزبی سه علت اصلی داشت: کاهش شدید قیمت مس در میانه دهه ۱۹۷۰ آن هم در کشوری که ۹۰ درصد منابعش از مس تامین می‌شد، ناتوانی سیاستگذاری‌های زامبیایی در تطبیق دادن شرایط اقتصادی با سقوط قیمت مس و کاهش هزینه‌ها به این دلیل که درآمد کم شده بود و رو آوردن به استقراض خارجی و در آخر عدم تعهد اعضا به حزب متحد استقلال که قدرت را در دست داشت.

در حالی که فقط در کشور سیاست اقتصادی تحت تاثیر خلق و توزیع رانت مورد نیاز برای مدیریت سیاسی باشد و با توزیع رانت بین فرادستان و اقوام متعدد و مخالف بخواهند خشونت را مهار کنند نمی‌توانند سیاست اقتصادی منسجمی برای توسعه را خلق و دنبال کنند. زمانی که توزیع رانت برای جلوگیری از بروز خشونت و درگیری بین اقوام متعدد زامبیا صورت بگیرد عقلانیت بروکراتیک دیگر کاربردی ندارد و بروکراسی دائماً تضعیف می‌شود. رقابت‌های قومی بین فرادستان رقابت انتخاباتی تنگاتنگ بوده است.



## معرفی کتاب "جامعه‌شناسی خودمانی"



مطهره قائمی‌فر

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۰)

مثال میزان خودکشی و جنایت در ایران رو به افزایش است اما هیچ گزارش یا نموداری مبتنی بر آمار صحیح و موثق در دسترس نیست و به نوعی نشان دهنده بی‌اهمیتی در تصمیمات است

موضوع دیگری که قابل توجه است روسپی‌گری و روسپی‌ها در ایران هستند که به علت محدودیت‌های فرهنگی و قبح عمومی دچار رهاشدگی و بد کنترلی شده است این امر ممکن است باعث فجایع و بحران‌های فرهنگی متنوعی شود و دامان نسل آینده کشور را بگیرد.

دکتر حمیدرضا جلائی پور ضعف کتاب جامعه‌شناسی خودمانی را مستند نبودن آن دانسته و خاطر نشان کرد: نویسنده در این کتاب بی آنکه سندی معتبر ارائه کند صرفاً برخی ویژگی‌ها را به ایرانیان و جامعه ایرانی نسبت می‌دهد و بدون تکیه به اسناد و منابع و روش‌های پذیرفته شده در پژوهش ادعا می‌کند که ما دروغ‌گوترین ملت دنیا هستیم. یا معتقد است فرهنگ اعتراض در ما وجود ندارد. این در حالی است که تاریخ ۱۰۰ سال گذشته ایران دلالت بر بروز دست کم ۲۰ جنبش دارد و از این حیث جامعه ایران جامعه‌ای به شدت جنبشی و معترض بوده است.

دکتر بهزاد دوران نیز به بیان نقطه نظرات خود پرداخت و انتخاب نام «جامعه‌شناسی خودمانی» را برای این کتاب را غلط‌انداز دانست و گفت: این نام برای خواننده این گمان را پدید می‌آورد که با کتابی جامعه‌شناختی روبرو است، در حالی که این کتاب به هیچ وجه با معیارهای جامعه‌شناسی همخوانی ندارد. همچنین عنوان فرعی کتاب، «چرا درمانده‌ایم»، در خواننده این انتظار را به وجود می‌آورد که ریشه‌های درماندگی جامعه ایرانی را برشمرده‌است اما نویسنده در این کتاب به این مسئله نیز نپرداخته است. او در بخش دیگری از سخنان خود اضافه کرد: اثری را می‌توان از نوع جامعه‌شناسی مردم‌مدار دانست که در وهله نخست جامعه‌شناختی باشد و در وهله بعدی ساده فهم؛ این کتاب معیار دوم را دارد، اما معیار نخست را برآورده نمی‌سازد.

این کتاب به طور گسترده درباره انحرافات و مشکلات جامعه کنونی ایران نبودن اعتماد بین مردم و سیستم حاکم صحبت می‌کند واقعیتی همچون آمار زندانیان، افول شرایط اقتصادی، بحران‌های زیست محیطی، بیکاری، مهاجرت و عدم پذیرش مسئولیت‌ها از سوی مردم.

انتقاداتی صریح درباره رفتارهای اجتماعی مردم ایران که به صورتی ساده بیان شده باعث می‌شود بسیار فکر کنیم که چطور از یاد رفتار نادرست خودمان غافلیم.

در این کتاب به نحوی بسیار ماهرانه وظایف علم جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان گوشزد می‌شود و دلیل اصلی مشکلات کشور عدم وجود رابطه درست بین مردم و حاکمیت بیان می‌شود؛ حتی این مشکل را ریشه دار در کل تاریخ ملت ایران می‌داند در حدی که ایرانیان با تاریخ و تاریخ خواندن اخت ندارند. چطور باید حل کرد مشکلات جامعه و جامعه دارانی را که از گذشته درس نمی‌گیرند؟!

در کتاب جامعه‌شناسی خودمانی حتی به وضوح به سوء استفاده ایرانی‌ها از دین و اعتقادات دینی اشاره شده و تسلیم‌پذیری، تنبلی و تقدیرگرایی را از پیامدهای چنگ زدن به ریسمان دین دانسته است.

یکی از مسائل جالب این کتاب مسئله تظاهر کردن و نفاق است اینکه هر کدام از ما ممکن است در شرایطی که تنها هستیم خلیقات خاص داشته باشیم اما هنگامی که وارد اجتماع می‌شویم ترجیح می‌دهیم با ظاهر و خلیقاتی به شدت جامع‌پسند و جامعه‌پذیر وارد شویم این نشان دهنده تظاهر کردن و تبدیل کردن این تظاهر به امری درست است این تظاهر به مرور زمان تبدیل به فرهنگ و اموری مثل مصرف‌گرایی می‌شود.

در این کتاب به مقایسه شرایط و وضعیت اوایل انقلاب و خلوص انقلابی با وضعیت کنونی کشور و ناپایداری‌ها و عمل نکردن به باورهای اوایل انقلاب مثل عدالت یا مبارزه با مفسدات اهتمام می‌شود.

از جمله نقطه ضعف‌های جامعه ایران از منظر کتاب حاضر قبول نکردن مسئولیت اجتماعی است که کنشگران اجتماعی پذیرای اشتباهات نیستند.

از آلودگی شهری و زیست محیطی گله‌مندیم اما زباله‌ها را در سطح شهر رها می‌کنیم از آلودگی هوا شکایت داریم اما تعداد روزهای بدون خودرو را در سال افزایش نمی‌دهیم از سبک غذایی ناراحتیم اما در ترویج فرهنگ ورزش کردن دخالتی نمی‌کنیم. این‌ها به خوبی نشانگر پایین بودن سطح مسئولیت اجتماعی در مردم ایران است.

یکی دیگر از بخش‌هایی که به صورت پنهان در این کتاب به آن اشاره شده نادیده گرفتن بعضی از حقایق است برای



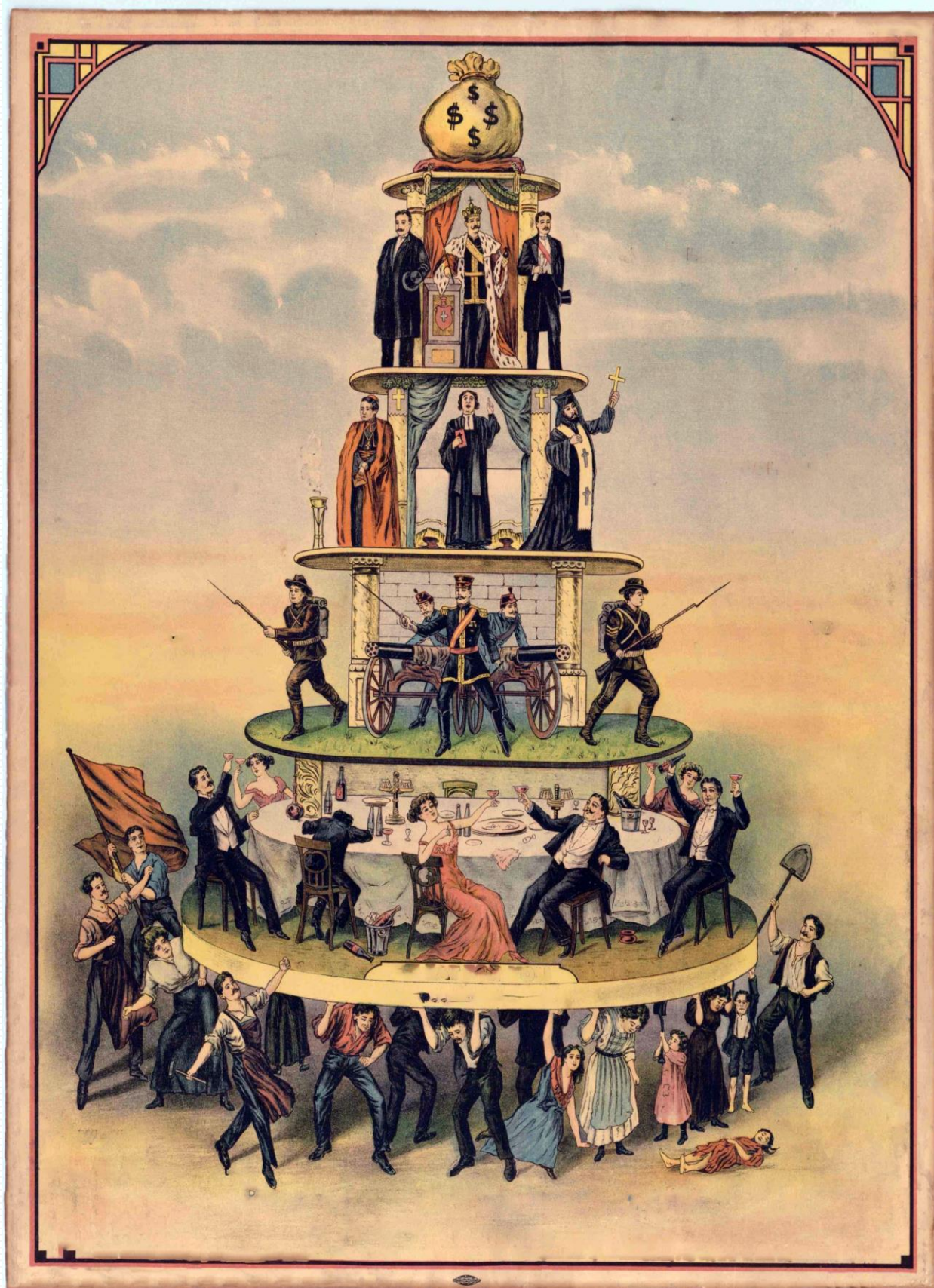
بازگشت به فهرست





نقدی جامعه‌شناختی بر هرم نظام سرمایه‌داری

به تصویر زیر نگاه کنید. دیدگاهتان در مورد آن چیست؟







ولی در یک جامعه کپیتالیسم هرکس که پول و سرمایه بیشتری داشته باشد دستور می‌دهد. این قشر هم با اسم ایجاد نظم و امنیت در جامعه فعالیت می‌کنند اما در واقع از سرمایه‌داران و افراد مهم سیاسی، دینی و نظامی محافظت می‌کنند. همانطور که در متن مربوط به این طبقه نوشته شده "ما به شما شلیک می‌کنیم" هدف از بین بردن معترضین به سرمایه‌داری و کسانی که برای اشخاص مهم ایجاد ناامنی می‌کنند هست.

طبقه چهارم سه مرد ایستاده‌اند که هرکدام یا علامت صلیب به دست داشته و یا انگشت اشاره را به نشان پند و نصیحت بالا برده‌اند که اشاره به پاپ، کشیش‌ها، کاردینال‌ها و اسقف‌ها می‌شود. افرادی که وظیفه دارند مردم را در مسائل دینی راهنمایی کرده و تبلیغات دینی انجام دهند که برای این تبلیغات معمولاً هزینه‌های گزاف و زیادی بکار برده می‌شود تا مردم دست به اعتراض و یا انقلاب کردن نزنند. به نوعی علاوه بر انجام تبلیغات دینی و راهنمایی مردم در مسائل دینی وظیفه آرام نگه داشتن افراد با استفاده از مسائل دینی هستند. متنی هم که در کنار این طبقه نوشته شده "ما شما را گول می‌زنیم" اشاره به همین موضوع دارد که این افراد در تلاش هستند اذهان عمومی را با مسائل دینی مشغول کنند تا فکر به موضوعات و مشکلات در ذهن آن‌ها خطور نکند.

طبقه پنجم و مهم‌ترین طبقه که کنترل جامعه را بدست دارد و سرمایه و منابع را تقسیم می‌کند وظیفه‌اش حکمرانی، تنظیم مسائل سیاسی و اجتماعی و قانون‌گذاری است. در اینجا هم مثل طبقه چهارم سه مرد هستند که دو نفر در سمت چپ و راست و یکی در بین آن‌ها قرار دارد که بنظر می‌رسد حکمران اصلی یا همان پادشاه/رئیس جمهور باشد که قدرت اصلی در دست اوست و بر بقیه طبقات حکمرانی می‌کند اما معمولاً با طبقه نظامیان و مذهبیون همکاری کرده تا بتوانند جلوی انقلاب و اعتراضات طبقه کارگر را بگیرند هرکدام با نقش و وظایفی که دارند.

نکته دیگری که در این تصویر مشاهده می‌شود این است که نابرابری نه تنها در طبقات مشاهده می‌شود که نابرابری جنسیتی نیز در این تصویر به چشم می‌خورد. این که از طبقه اشراف‌زادگان به بالا دیگر هیچ زنی نیست و همه مسائل نظامی، دینی و سیاسی توسط مردان اداره می‌شود. و کلاً نقش زنان در این نوع جوامع کم‌رنگ و حتی پوچ است. و اما موضوعی که اکثر جامعه‌شناسان درباره آن صحبت می‌کنند این است که اگر جامعه‌ای بخواهد برابری ایجاد شود اول از همه باید منابع و ثروت بصورت مناسب و برابر بین تمامی افراد تقسیم شود و ارزش بر کار تعلق گیرد نه سرمایه. پس این یعنی باید آن کیسه پولی (ثروت و منابع) که در رأس هرم قرار دارد دیگر آن بالا نباشد و بین افراد تقسیم شود تا نابرابری از بین برود.

در عین حال بعضی دیگر از متفکران هستند که معتقدند نابرابری هرگز از بین نمی‌رود و لازمه بقای یک جامعه می‌باشد و افراد فقط می‌توانند این نابرابری را کاهش دهند.

"هرم نظام سرمایه‌داری" یک کاریکاتور در سال ۱۹۱۱ در یک روزنامه مربوط به اتحادیه کارگری صنعتی جهانی منتشر شد و نقد آن بر نظام سرمایه‌داری بود. اما این اثر اولین بار در سال ۱۹۰۰ توسط هنرمند روسی بی‌نام منتشر شد که بعد از آن بسیاری از هنرمندان این اثر را بازسازی کردند. در تصویر اولیه و اصلی کارگرانی هستند که هر می بر سرشان داشتند و از آن حمایت می‌کردند و هنرمند این اثر با این شعار: "زمانی خواهد رسید که مردم در خشم خود کمرهای خمیده را صاف می‌کنند و این سازه را با یک فشار نیرومند شانه‌هایشان به پایین می‌کشند." تلاش بر آگاه سازی قشرهای ضعیف داشت.

تصویر شامل پنج طبقه از افراد و قشرهای مختلف جامعه می‌باشد به‌مراه یک طبقه در رأس که کیسه پول (ثروت) قرار دارد. قاعده هرم و اولین طبقه هرم که از بیشترین افراد تشکیل شده‌است طبقه کارگران نامیده می‌شود که شامل کارگران، زنان و کودکانی می‌شود که طبقات بالاتر را بر دوش خود نگه داشته و در چهره‌شان عجز، ناتوانی و ناامیدی مشاهده می‌شود. اما موضوع فقط به همین ختم نمی‌شود و تصویر ریزه‌کاری‌های فراوانی دارد که نمی‌توان از آن گذشت. در گوشه سمت راست تصویر کودکی بر زمین افتاده و انگار می‌بیزد و یا حتی مرده است که اشاره به کودکان کار دارد و اینکه چقدر از شرایط نابسامانی برخوردارند و کسی توجهی به آن‌ها ندارد.

در همین طبقه، گوشه سمت چپ تصویر نیز کارگرانی هستند که از زیر هرم خارج و پرچمی قرمز رنگ به‌مراه داشته و دستانشان را مشت کرده‌اند که نشان از اعتراض بخشی از طبقه کارگر نسبت به این نابرابری‌ها بوده و خواهان جامعه‌ای سوسیالی هستند یعنی نظم اجتماعی و اقتصادی که اساس آن برابری در تمامی این بخش‌هاست. نوشته کوچکی نیز در کنار هر طبقه وجود دارد که تا حدودی از کاری که هر طبقه می‌کند اطلاع می‌دهد و برای این طبقه دو جمله "ما برای همه کار می‌کنیم" و "ما برای همه غذا تهیه می‌کنیم" نوشته شده‌است.

در طبقه دوم از پایین اشراف‌زادگان را مشاهده می‌کنیم که سرخوش و با لباس‌هایی گران و رنگارنگ در حال گفتگو و خوردن هستند و کاری جز لذت بردن ندارند و متن مربوط به این طبقه که "ما برای شما غذا می‌خوریم" هست اشاره به جمال‌زادگی و پخته‌خوری این افراد دارد. این طبقه با به بردگی گرفتن قشر کارگر به گذران عمر خود پرداخته و معمولاً افراد این طبقه را بازرگانان، پیشه‌وران، سرمایه‌گذاران و افرادی از این قبیل تشکیل می‌دهند.

در طبقه سوم افرادی دیده می‌شوند که دارای لباس مخصوص و تسلیحات نظامی بوده و چهره‌هایی عصبی و نگاه‌هایی دنبال‌کننده دارند. این افراد همان سربازان و نظامیانی هستند که وظیفه‌شان ایجاد نظم و امنیت است.



**کاهش آب:** وقتی آب کمیاب می‌شود، منافع مشترک بین بخش‌های مختلف به خطر می‌افتد و هر کدام به دنبال تأمین نیاز خود هستند. این موضوع می‌تواند به مناقشات و درگیری‌های اجتماعی منجر شود.

**احساس نابرابری:** انتقال آب از یک منطقه به منطقه دیگر می‌تواند باعث ایجاد حس نابرابری و تبعیض در بین مردم شود.

**برساخته‌های ذهنی:** مسائل مربوط به آب می‌تواند باعث ایجاد برساخته‌های ذهنی مانند احساس ناامنی، بی‌عدالتی و تحقیر شود. این برساخته‌ها می‌توانند به تنش‌های اجتماعی دامن بزنند.

**الگوی توسعه غلط:** الگوی توسعه‌ای که در خوزستان دنبال شده، متکی به منابع آب بوده و ارزش افزوده پایینی دارد. این الگو باعث شده که بخش‌های مختلف به شدت به آب وابسته باشند و با کمبود آب، همه آن‌ها با مشکل مواجه شوند.

**اشتغال پایین:** بخش صنعت در خوزستان با وجود ۴.۷ میلیون نفر جمعیت، فقط ۸۴ هزار نفر را مشغول به کار کرده است. این نشان می‌دهد که اقتصاد خوزستان به شدت به منابع آب وابسته است و تنوع اقتصادی کافی ندارد.

**تغییر الگوی توسعه:** باید الگوی توسعه در خوزستان به گونه‌ای تغییر کند که به منابع آب وابسته نباشد. این امر با توسعه بخش‌های صنعتی و خدماتی با ارزش افزوده بالا و همچنین افزایش تنوع اقتصادی امکان‌پذیر است.

**مدیریت پایدار منابع آب:** باید از منابع آب به طور پایدار و عادلانه استفاده شود. این امر به معنای برنامه‌ریزی دقیق برای مصرف آب، جلوگیری از هدر رفتن آب و استفاده از روش‌های نوین آبیاری است. افزایش آگاهی عمومی: مردم باید از اهمیت آب و ضرورت استفاده صحیح از آن آگاه شوند.

آب به مثابه چسبی شده که بیکاری، بی‌عدالتی، تورم و توسعه نامتوازن را به هم پیوند داده‌است. ما ایرانی‌ها در تاریخ مصرف‌کننده گران‌ترین آب جهان بودیم.

وابستگی به صنایع آب‌پر، سیاست‌های غلط اقتصادی و تجاری، و ناکارآمدی و فساد در دستگاه‌های دولتی از جمله عواملی هستند که به بحران آب در ایران دامن زده‌اند.

بی‌اعتمادی عمومی نیز یکی از چالش‌های مهم در این زمینه است. عدم شفافیت در ارائه اطلاعات و آمار، ناکارآمدی و فساد در دستگاه‌های دولتی، و بی‌اعتمادی به رسانه‌ها باعث شده است تا مردم به برنامه‌ها و اقدامات دولت در زمینه آب اعتماد نکنند.

جامعه ایران نیازمند تغییر الگوی توسعه و صنعتی شدن، افزایش بهره‌وری آب، احیای قنوت و سازه‌های سنتی آب و ترویج فرهنگ صحیح مصرف آب می‌باشد. همچنین، افزایش تعامل و مشارکت مردم در مدیریت آب می‌تواند به حل بحران آب در ایران کمک کند.



سارانوکی

فارغ‌التحصیل رشته جامعه‌شناسی

درک عمیق از پیچیدگی‌های مسئله آب و همبستگی اجتماعی کلید حل چالش‌های آبی ایران است. "مسئله آب و همبستگی اجتماعی" به بررسی ابعاد مختلف این چالش در ایران می‌پردازد.

"مسئله آب" در ایران سابقه‌ای همزاد با تمدن دارد و از دیرباز با زندگی مردم این سرزمین عجین بوده‌است. این موضوع دارای پیچیدگی‌های متعددی در ابعاد مختلف از جمله محیط زیستی، اقتصادی، اجتماعی، فناورانه، سیاسی و امنیتی است.

نهادهای اقتصادی و سیاسی در مدیریت آب نقش کلیدی دارند. عدم لحاظ پیچیدگی‌ها و فقدان رویکرد انطباقی در مدیریت این منابع حیاتی، وضعیت فعلی را به وجود آورده است.

"همبستگی اجتماعی" به معنای آگاهی از اهداف، منافع و معیارهای مشترک و هماهنگی بر اساس آن‌ها است. "مسئله آب" می‌تواند همبستگی اجتماعی را به واسطه کاهش منافع مشترک، افزایش مناقشات بین حوزه‌ها و بخش‌ها و کاهش اعتماد و انسجام اجتماعی به دلیل ناکارآمدی حکمرانی و بی‌عدالتی در توزیع آب تهدید کند.

حل چالش‌های آبی ایران نیازمند درک عمیق از پیچیدگی‌های "مسئله آب" و "همبستگی اجتماعی" است.

گفتگوی دانش‌محور، تغییر در الگوهای مصرف، مدیریت پایدار آب و افزایش همبستگی اجتماعی از طریق گفتگوی عمومی، اعتمادسازی و حل مناقشات می‌تواند در حل این چالش یاری‌گر باشد. همکاری و همبستگی اجتماعی در کنار مدیریت پایدار آب، رمز عبور از این بحران است.

پیچیدگی "مسئله آب" و "همبستگی اجتماعی" دو روی یک سکه هستند و حل چالش‌های آبی ایران نیازمند نگاهی جامع و سیستمی به این دو مقوله است.

به عنوان مثال کمبود آب در خوزستان به یک معضل بزرگ تبدیل شده و مناقشات زیادی بین بخش‌های مختلف ایجاد کرده است. از یک طرف کشاورزان، دامداران و صنایع خواهان آب برای ادامه فعالیت خود هستند و از طرف دیگر، تأمین آب شرب و بهداشت در اولویت است.

در بررسی رابطه میان آب و همبستگی اجتماعی باید به نکات زیر توجه شود:



بازگشت به فهرست



## بررسی اجتماعی و سیاسی داستان‌های شاهنامه

اسفندیار نقش شاهزاده‌ای جوان را بازی می‌کند. او همواره به دنبال تاج و تخت است که اطرافیانش مانع رسیدن او به هدفش می‌شوند.

در وهله اول برادر اعیانی‌اش گرزم بد گویی‌اش را نزد پدرش گشتاسب می‌کند که سبب می‌شود در دژ گنبدان زندانی شود. بدگویی و پاپوش درست کردن میان اشراف، برای دستیابی به مراتب بالاتر، بسیار معمول بوده که موجب می‌شد افرادی که برای اداره امور دارای صلاحیت هستند از بین بروند مانند ماجرای بر دار کردن حسنک وزیر و قتل امیر کبیر.

در وهله دوم اسفندیار درخواستش که تخت پادشاهی است را با پدرش مطرح می‌کند ولی از آن‌جا که گشتاسب پادشاهی لجوج و جاه‌طلب است اقدام به قتل اسفندیار می‌کند و او را مقابل رستم قرار می‌دهد و سرانجام اسفندیار با تیری که رستم بر چشم او می‌زند جان به جان آفرین تسلیم می‌کند.

داستان رزم رستم و اسفندیار حاکمان مستبدی را نشان می‌دهد که به واسطه ترسی که از دست دادن حاکمیت خود داشتند و همچنین ترس از چیره شدن جانشینان و شاهزادگان خود بر تاج و تخت دست به قتل و از بین بردن آن‌ها می‌زدند.

به طور کلی، در داستان‌های شاهنامه، می‌توان ایرانی را دید که دائماً به دنبال رسیدن به حق و رهایی از حاکمیت استبدادی است و مردم برای رسیدن به عدالت به دنبال قهرمان‌هایی هستند که حرف از عدالت بزنند. اختلاف و درگیری بین اشراف سبب تضعیف پایه‌های جامعه و در نتیجه نارضایتی بین مردم می‌شد. شورش‌های داخلی گروه‌های جدید خواهان حکومت را بوجود می‌آورد و پیروزی هر یک از آن‌ها سلسله جدیدی را در پی داشت.



بازگشت به فهرست



کیانارزائیان

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۲)

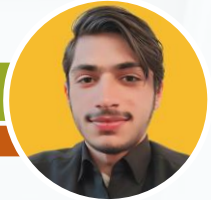
برای دستیابی به اوضاع سیاسی-اجتماعی گذشته یکی از بهترین راه‌ها بررسی متون ادبی است.

ایران در طول تاریخ خود، شاهد وقایع و رویدادها و مردمانی بوده که در تمامی دوره‌ها تمایلات مشترکی داشتند. انسان‌ها همیشه به دنبال افسانه‌ها و اسطوره‌هایی هستند که باعث افزایش عرق ملی آن‌ها شوند و مردم ایران نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نیستند.

ابوالقاسم فردوسی شاعر بلند مرتبه ایران که همیشه به عنوان فردی خردمند شناخته می‌شود با نوشتن شاهنامه، خواسته یا ناخواسته، اهدافی ناسیونالیستی (ملی‌گرایانه) را دنبال کرده است.

مردم ایران شاهنامه را با نام شخصیت اصلی داستان، یعنی رستم دستان می‌شناسند. از ویژگی‌های شخصیتی رستم می‌توان به عدالت خواهی و برقراری اعتدال و از همه مهم‌تر برقراری امنیت اجتماعی اشاره کرد. جو استبدادی جامعه ایران که در همه دوران‌ها برقرار بوده‌است، ایجاب می‌کرد که مردم سر به شورش بردارند؛ این عمل علاوه بر ایجاد هرج و مرج داخلی باعث می‌شد ایران از سمت مرزها نیز مورد حملات خارجی‌ها قرار بگیرد. بنابراین مردم به دنبال قهرمانی می‌گشتند تا آن‌ها را از این شورش‌ها نجات دهد. قهرمانی که علاوه بر ایجاد نظم و امنیت بتواند عدالت را بین تمامی اقشار جامعه برقرار سازد.

در ماجرای ازدواج گشتاسب و کتایون می‌شود به این اشاره کرد که اشراف نمی‌توانستند با طبقه دیگر جامعه ازدواج کنند. چه بسا که در این بخش آمده گشتاسب از این‌که پدرش لهراسب پادشاهی را به او نداده ناراحت می‌شود و به روم می‌رود. در آن‌جا هیچکس گشتاسب را به عنوان شاهزاده ایرانی نمی‌شناسد و وقتی کتایون او را به عنوان نامزدش به قیصر (پدرش) معرفی می‌کند آن‌ها را از خود می‌رانند و چندی بعد قیصر وقتی متوجه می‌شود که گشتاسب قهرمانی است که گرگ و اژدهایی را که جان مردم و قلمرو را تهدید می‌کرده، از بین برده و او را به عنوان داماد خود می‌پذیرد. ازدواج‌های سیاسی برای حفظ رابطه حسنه و همچنین تأمین امنیت حکومت صورت می‌گرفته و به استواری حکومت کمک می‌کرده‌است.



محمد مبین بلیدنی

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۱)

برخی آهنگ‌ها می‌توانند احساسات انسانی را تحت تأثیر قرار داده و افراد را به تفکر و عمل وادار کنند. بنابراین، بیشتر از مجموعه‌ای از نت‌ها و کلام، موسیقی می‌تواند ابزاری برای تأثیرگذاری بر روی جوامع و فرهنگ‌ها باشد. همچنین، ارزیابی آهنگ‌ها از منظر جامعه‌شناسی می‌تواند به فهم عمیق‌تری از نگرش‌ها، ارزش‌ها و اولویت‌های یک جامعه کمک کند، زیرا آهنگ‌ها به عنوان نمایه‌هایی از فرهنگ و جوامع عمل می‌کنند و به ما کمک کنند تا با افکار و احساسات مردمان آن جامعه آشنا شویم.

جامعه‌شناسی موسیقی می‌تواند به ما کمک کند تا بهترین معنا از ارتباط و تعامل بین فرهنگ و موسیقی را درک کنیم. این ارتباط می‌تواند ما را به شناخت بهتری از انسان‌شناسی و رفتار انسانی و نیز فرهنگ‌ها و جوامع مختلف برساند.

آهنگی که در این بخش مورد بررسی قرار خواهد گرفت از معروف‌ترین آهنگ‌های اجتماعی، سیاسی و علمی دهه ۱۹۶۰ بوده که in the year 2525 نام دارد.

در متن این آهنگ خواننده به هفت دوره زمانی متفاوت اشاره می‌کند و هر یک از اتفاقات را به یکی از این هفت دوره اختصاص می‌دهد. در متن آهنگ، خواننده به موضوعات زیادی اشاره می‌کند و موضوع جالب توجه این است، با وجود این که آهنگ در سال ۱۹۶۹ منتشر شده‌است اما آثار آن به تازگی در قرن ۲۱ قابل مشاهده است. در این آهنگ شما می‌فهمید که دستگاه‌ها بجای شما کار می‌کنند، نیازی به جویدن و نگاه کردن نداشته و همسر و کودکان را خودتان انتخاب خواهید کرد (اشاره به هوش مصنوعی و پیشرفت تکنولوژی). این موضوعات شاید خوشایند بنظر برسد، زیرا بشر همواره بدنبال راحت‌ترین و بهترین روش‌هاست. اما در نهایت زیگر و ایوانز بخش ترسناک موضوع را بیان می‌کنند. انسان هر چیزی که لازم داشت را از زمین گرفت اما هیچکدام را برنگرداند. حال اگر خدا به زمین بیاید راضی و خوشحال خواهد بود یا ناراضی و عصبانی از حرص و آز انسان؟ آیا اصلاً انسان می‌تواند تا سال ۹۵۹۵ زنده بماند؟ این‌ها از دسته سوالاتی هستند که گویا ذهن خواننده را درگیر کرده‌است و با بیان آن ذهن شنونده نیز درگیر می‌شود.

در نهایت این آهنگ، جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن تکنولوژی حاکم انسان است، و انسان‌ها به یکدیگر نیازی نداشته و حتی فردیت و هویت خویش را از دست داده‌اند. به همین دلیل آهنگ از این منظر ارزش بالایی را داراست. این آهنگ در رتبه‌بندی‌های مختلف موسیقی در بسیاری از کشورها توانست رتبه خوبی دریافت کند و منتقدان زیادی را به وجد آورد. حال اگر رشته‌تان هم جامعه‌شناسی نباشد شما به متن آهنگ‌هایی که گوش می‌دهید بیشتر دقت خواهید کرد.

جامعه‌شناسی موسیقی یکی از شاخه‌های علم جامعه‌شناسی است، اما اطلاعاتی در مورد اینکه کجا و در چه تاریخی بوجود آمده است در دسترس نیست. این رشته به مطالعه‌ی تأثیرات موسیقی در جوامع و فرهنگ‌ها پرداخته‌است و به محققان و اندیشمندان درک بهتری از ارتباط بین موسیقی و جامعه داده‌است. موسیقی به عنوان شیوه‌ای تفریحی می‌تواند نقش مهمی در شکل‌دهی به تفکرات، احساسات و اعمال افراد داشته باشند.

یک جامعه‌شناس، با بررسی انواع موسیقی که توسط افراد گوش داده می‌شوند، می‌تواند الگوها و مکانیسم‌هایی که در جوامع و فرهنگ‌ها وجود دارند را شناسایی کند. برخی آهنگ‌ها ممکن است ارزش‌ها، باورها یا ایدئولوژی‌های خاصی را منعکس کنند و به عنوان وسیله‌ای برای انتقال پیام‌های فرهنگی، اجتماعی، دینی و یا سیاسی استفاده شوند.





In the year 2525, if man is still alive  
 If woman can survive, they may find  
 In the year 3535  
 Ain't gonna need to tell the truth, tell no lie  
 Everything you think, do and say  
 Is in the pill you took today  
 In the year 4545  
 You ain't gonna need your teeth, won't need your eyes  
 You won't find a thing to chew  
 Nobody's gonna look at you  
 In the year 5555  
 Your arms hangin' limp at your sides  
 Your legs got nothin' to do  
 Some machine's doin' that for you  
 In the year 6565  
 You won't need no husband, won't need no wife  
 You'll pick your son, pick your daughter too  
 From the bottom of a long glass tube  
 In the year 7510  
 If God's a coming, He oughta make it by then  
 Maybe He'll look around Himself and say  
 Guess it's time for the judgment day  
 In the year 8510  
 God is gonna shake His mighty head  
 He'll either say I'm pleased where man has been  
 Or tear it down, and start again  
 In the year 9595  
 I'm kinda wonderin' if man is gonna be alive  
 He's taken everything this old earth can give  
 And he ain't put back nothing  
 Now it's been ten thousand years  
 Man has cried a billion tears  
 For what, he never knew, now man's reign is through  
 But through eternal night, the twinkling of starlight  
 So very far away, maybe it's only yesterday

در سال ۲۵۲۵،  
 اگر هنوز مردی باشد، اگر هنوز زنی بتواند بزاید  
 چه چیزهایی خواهند دید!  
 در سال ۳۵۳۵  
 باید حقیقت را بگویید و هیچ دروغی نگویید،  
 هر چه بیندیشید، هر چه بگویید و هر چه انجام دهید،  
 در همان قرص کوچکی که هر روز می‌خورید ثبت می‌شود.  
 در سال ۴۵۴۵  
 نیازی به دندان نخواهید داشت همچنین چشمانتان،  
 چیزی برای جویدن نخواهید یافت،  
 و کسی بر تو نخواهد نگرست  
 در سال ۵۵۵۵  
 دست‌هایت آویزه بی‌فایده‌ای خواهند بود،  
 پاهایت نیز کاری برای انجام ندارند،  
 برای هر کاری ماشینی خواهد بود  
 در سال ۶۵۶۵  
 هیچ یار و همسری نخواهید داشت،  
 لوله‌های آزمایشگاهی مادر کودکانتان خواهند بود.  
 در سال ۷۵۱۰  
 رستاخیز شاید در چنین زمانی است،  
 آن زمان پروردگار به گیتی می‌نگرد و می‌گوید،  
 زمان، زمان حساب است.  
 در سال ۸۵۱۰  
 پروردگار با حکمت خویش قضاوت می‌کند،  
 که من از جایی که انسان هست راضی هستم  
 یا آن را خراب کنید و دوباره شروع کنید.  
 در سال ۹۵۹۵  
 من به نوعی در تعجب هستم که آیا انسان زنده خواهد بود؟  
 او هر چه این زمین پیر می‌تواند بدهد را گرفته‌است،  
 و او چیزی را باقی نخواهد گذاشت.  
 اکنون ۱۰۰۰۰ سال گذشته‌است،  
 انسان یک میلیارد اشک ریخته‌است،  
 برای چیزی که هرگز نمی‌دانست،  
 اکنون سلطنت انسان تمام شده‌است،  
 اما از طریق شب ابدی،  
 چشمک زدن نور ستاره‌ها خیلی دور است،  
 شاید همین دیروز باشد







برنده سیمرغ بلورین  
 بهترین فیلم از نگاه تماشاگران

نویسنده و کارگردان: هومن سیدی  
 تهیه‌کننده: سعید سعدی

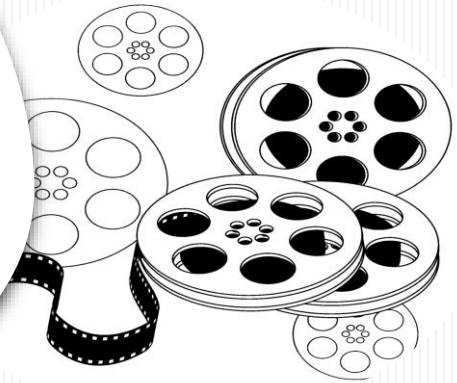
نوید محمدزاده  
 فرهاد اصلانی  
 باغچه‌باز، نوبخت پور، مرجان‌تعالیان، هاشم سیدی

## مغزهای کوچک زنگ زده



طهماسبی، نیکونوب

دانشجویان کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۰)



مغزهای کوچک زنگ زده

فیلمی است که موقعیت‌های جدی و

خشن را با موقعیت‌های پر سرورسدا

و بامزه درآمیخته است و به همین سبب

نمی‌توان تصمیم گرفت که لحن فیلم به کدام یک پهلو

می‌زند. «خشونت» از آن دسته موضوعاتی است که در

کمتر فیلم ایرانی شاهد آن بوده‌ایم و «مغزهای کوچک

زنگ زده» شاید یکی از اولین مهم‌ترین فیلم‌های

سینمای ایران باشد که با محوریت خشونت پیش

می‌رود. در این فیلم شاهد روایت خانواده‌ای هستیم که

در ساده‌ترین لحظات زندگی‌شان به نوعی خشونت دچار

هستند و بدترین ناسزها و بد و بیراه‌ها را نثار هم

می‌کنند اما خشونت مورد ادعای فیلم تا چه اندازه از

پرداخت درستی برخوردار است و آیا می‌توان آن را

جدی گرفت یا نسبتی انسانی با آن برقرار کرد؟

با آنکه فیلم در یکی از حلبی‌آبادهای کثیف و سیاه

جریان دارد اما خوشبختانه صفت «سیاه‌نما» شامل

حالش نمی‌شود. پیش از این، شاهد فیلم‌های زیادی در

سینمای ایران بوده‌ایم که با بردن دوربین به یکی از

نکبت‌بارترین مکان‌ها و روایتی تحقیرآمیز از چند آدم

بی‌خاصیت و بی‌دغدغه، سعی در کوبیدن سیاهی بر سر

مخاطب و در بهترین حالت گدایی اشک او را داشته‌اند

اما خوشبختانه مسئله محوری در «مغزهای کوچک زنگ

زده» اصلاً سیاهی نیست بلکه خشونت است و نسبت آن

با خشونت و این به تنهایی ساخته هومن سیدی را یک

پله از سایر فیلم‌های سیاه‌نما جلو می‌اندازد. اما مشکل

فیلم دقیقاً از جایی شروع می‌شود که مسئله خشونت و

نسبت آن با شخصیت‌ها و طبعاً مای مخاطب، آن قدر که

باید توسط فیلم جدی گرفته نمی‌شود. لحن «مغزهای

کوچک زنگ زده» در اغلب اوقات بامزه است اما فیلم از

دل چنین موقعیت‌هایی می‌خواهد وضعیت جدی و

خشنی را بیرون بکشد که هیچ رقمه با لحظات صرفاً  
 بامزه‌اش، سختی ندارد. فیلم مغزهای کوچک زنگ زده  
 یکی از منسجم‌ترین فیلم‌ها با محور خشونت در عرصه  
 سینما هست.

این فیلم از یک منظر اصلاً خشن نیست. منظره‌ای از  
 زندگی مردم‌هایی هست که که از سر جبر جغرافیایی  
 مجبور به پذیرش شرایط موجود شدند.

این فیلم در مورد رفع زنگ زدگی از مغز و در پی آن  
 تفکر و برگشتن به سطح اراده آزاد و تصمیم‌گیری  
 مستقل انسانی است.

انسانی که حق انتخاب دارد مسئولیت‌پذیر می‌شود و  
 برای ادامه زندگی معنایی پیدا می‌کند.

نوعی شست‌وشوی مغزی، روحی و اقتصادی دسته  
 بزرگی از انسان‌ها هست برای محدود نگه داشتن ابعاد  
 روحی و فکری‌شان با هدف مدیریت و کنترل بر عقل و  
 جسم. تلاشی که برای تربیت دسته‌ای از انسان‌های  
 محدود نگه داشته شده که بیش از انسان بودن، در نقش  
 ابزاری در اختیار اهداف و مقاصد رهبر گروه تبهکاران  
 تبدیل شده‌اند و تا حدود زیادی هم موفق بودند.

بسیاری از کودکان بر اثر فقر اقتصادی و اجتماعی  
 نابرابری‌ها مجبور به زیستن در چنین جامعه‌ای هستند.





## مطهره قائمی‌فر

دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۰)

امروزه یکی از مسائل نگران‌کننده خودکشی جوانان است که به طور کلی تابع عوامل متعددی از جمله ناامیدی، کم بودن نشاط اجتماعی، فقر، فشارهای اجتماعی و فرهنگی، ناکامی در مسیر تحصیلی، مشکلات خانوادگی، بیکاری، مهاجرت و... می‌باشد.

در این نسخه به بررسی خودکشی رزیدنت‌ها در ایران می‌پردازیم. به طور دقیق در کشور ۱۴ هزار رزیدنت وجود دارد که هر ساله به طور متوسط ۱۳ الی ۱۶ خودکشی منجر به مرگ در آمار دیده می‌شود و حتی خود سازمان بهداشت و درمان به بررسی و حل این مسئله بحران‌زا نپرداخته است. علت چیست؟

پس از بررسی‌های انجام شده توسط اعضای نشریه نبض جامعه چند عامل به صورت زنجیروار به عنوان عوامل تأثیرگذار شناخته شدند.

اول اینکه فشار کاری و دشواری این شغل باعث می‌شود میزان وقت آزاد رزیدنت‌ها بسیار کم و محدود باشد و زمان کافی برای گذران وقت با دوستان و خانواده را نداشته و به ندرت به تفریحات و سرگرمی‌های نشاط‌آور مشغول شوند. در نتیجه به لحاظ روحی و روانی در طول زمان دچار خستگی و بی‌نشاطی می‌شوند به طوری که حتی کارایی لازم برای انجام فعالیت‌های تخصصی را نیز نخواهند داشت.

دومین علت پایین بودن میزان حقوق آن‌هاست که میانگین ۵ الی ۸ میلیون تومان است. این در حالی است که ساعت کاری بسیار زیاد و شیفت‌های طولانی حقوق بالاتری را می‌طلبد و هنگامی که رزیدنت‌ها انگیزه مالی کافی را برای ادامه شغل نداشته باشند فکر مهاجرت در ذهن آن‌ها پدید می‌آید.

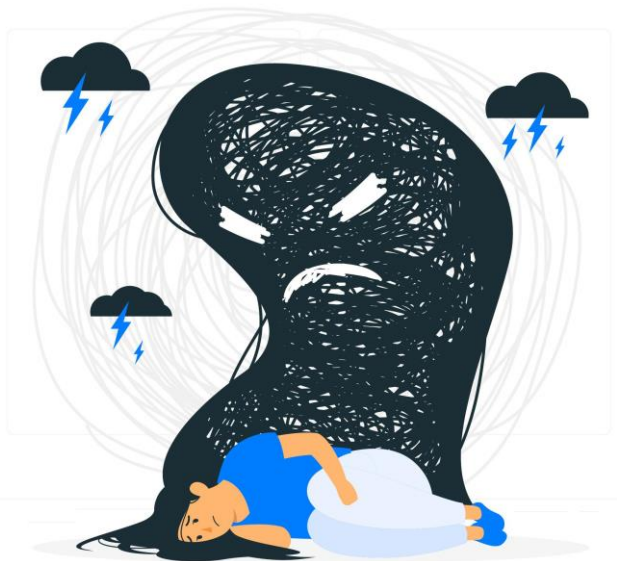
سومین عامل، مهاجرت بسیار بالای رزیدنت‌هاست که حتی در میان دانشجویهای ترم اولی نیز به چشم می‌خورد. دانشجوی ترم یک رزیدنتی به فکر رفتن به سایر کشورهاست زیرا در آنجا با ساعات کاری کمتر و با همین میزان تخصص حقوق درخور خدمت را دریافت می‌کند و این گونه با حجم انبوهی از مهاجرت‌ها مواجه خواهیم شد که کشور را دچار بحران و کمبود رزیدنت می‌کند.

تأسف آور آنکه وزارت بهداشت به جای بهتر کردن شرایط رزیدنت‌ها تحصیل را مشروط بر وثیقه گذاشتن کرده و اینگونه بجای حل مشکل، صورت مسئله را پاک کرده‌است.

چهارمین عامل موثر، «فرسودگی شغلی» است که پیامد ساعات کاری گسترده، حقوق کم، بررسی نکردن وضعیت روانی رزیدنت‌ها از سوی وزارت، محدود کردن شرایط تحصیل، بسته بودن راه‌های مهاجرت آزادانه و... می‌باشد. نکته درخور توجه این است که با بررسی خودکشی رزیدنت‌ها درمی‌یابیم میزان خودکشی در زنان رزیدنت دوبرابر مردان است.

پذیرش ظرفیت دوره رزیدنتی در سال ۱۴۰۲ معادل ۴۶۰۵ نفر بوده است. این میزان ظرفیت پذیرش به ما هشدار می‌دهد که با سطح پایین از آموزش، کم بودن حقوق، ساعات کاری طولانی، فرسودگی شغلی و بسته بودن راه‌های مهاجرت آزادانه باید منتظر موج عظیمی از خودکشی‌ها باشیم که هیچ کدام از مسئولین آن را پیامد مدیریت ضعیف و بی‌برنامه بودن خود نمی‌دانند.

در این میان محرمانه نگه داشتن آمار خودکشی از سوی وزارت نشان دهنده اوج فاجعه خاموشی رزیدنت‌هاست که اعتراض رئیس مرکز روانپزشکی را در پی داشته است اما هنوز مسئولان مربوطه به مخفی کردن آمار اصرار دارند و خبری از چاره جویی نیست.





## کورش کمپانی و خدشه دار شدن اعتماد اجتماعی

چای دیش، نشان دهنده گستردگی تخطی از هنجارهای قانونی و اخلاقی جامعه است و این رویدادها سرمایه اجتماعی جامعه و دولت‌ها را کاهش خواهد داد و اثرات زیان‌باری را در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... نمایان خواهد کرد. طی سال‌های اخیر همزمان با نظارت ناکافی و رونق گرفتن رویه‌های رانتی ناکارآمد، شرکت‌هایی بی‌نام و نشان مانند کورش کمپانی وارد حوزه واردات و عرضه کالاهای لاکچری مانند آیفون شده است. ماجرای عرضه آیفون ۱۳ از حدود یک سال قبل به چالش بازار ۳ میلیارد دلاری ایران تبدیل شده است. در آن مقطع مقرر شد تا ضمن ممنوعیت ورود آیفون ۱۴ به بالا، واردات موبایل‌های بالای ۶۰۰ دلار (از جمله آیفون ۱۳) صرفاً از طریق رویه رانتی واردات در مقابل صادرات خود انجام شود. این موضوع منجر به ورود بازیگران ناشناخته و احتمالاً فرصت‌طلب به بازار آیفون و سایر موبایل‌های لوکس شد.



مدتی بعد واردات آیفون‌های ۱۴ و بالاتر به صورت کلی ممنوع گردید و حالا مشخص شده با وجود خارج شدن آیفون ۱۳ از خط تولید نزدیک به یک میلیارد دلار از این مدل وارد کشور شده است. در وضعیتی که منجر به حضور بی‌ضابطه بیش از ۱۵۰۰ شرکت در زمینه واردات موبایل شده است بایستی ردپای این کلاه برداری بزرگ را در عدم نظارت کافی در ساماندهی واردکنندگان پیگیری کرد.

از سوی دیگر در حالی شاهد فروش گسترده آیفون‌های آمریکایی در کشور هستیم که در عمل به دلیل اینکه بخشی از این تلفن‌های همراه رفرش و ریپک هستند، هیچگونه خدمات پس از فروش یا گارانتی و همچنین تأمین بلند مدت قطعات مشمول آن‌ها نمی‌شود و همین مسئله مصرف‌کنندگان را به دردسر انداخته است که همین موضوع می‌تواند کاهش دهنده میزان اعتماد اجتماعی افراد جامعه به دولت باشد.

برای کسب اعتماد اجتماعی دولت‌ها باید افراد و گروه‌هایی را که از قوانین سرپیچی می‌کنند و در پی فریب افراد جامعه می‌باشند را مجازات و مهم‌تر از آن فرآیندهایی که منجر به ایجاد چنین رویدادهایی می‌شوند را متوقف کنند. این اتفاق و دلایل پیدایش آن تهدیدی جدی برای اعتماد اجتماعی افراد جامعه و باید ساماندهی مناسب در مقابل چنین اتفاقاتی صورت بگیرد تا این سرمایه اجتماعی پابرجا باقی بماند.

### محمد رضا خلیلی

فارغ‌التحصیل رشته جامعه‌شناسی



شرکت کورش کمپانی پردازان آی‌سا، با نام تجاری کورش کمپانی، شرکتی بود که در حوزه بازرگانی تلفن همراه فعالیت داشت و مدعی بود تلفن همراه آیفون ۱۳ که قیمت آن بین ۳۵ تا ۴۰ میلیون می‌باشد را با حذف واسطه‌ها به قیمت ۲۰ میلیون تومان پس از ۴۵ تا ۵۰ روز به دست مصرف‌کنندگان برساند. این شرکت در این خصوص تبلیغات گسترده‌ای را انجام داد که از میان آن‌ها می‌توان به استفاده از شخصیت‌های معروف فرهنگی، هنری، ورزشی و همچنین استفاده از بیلبوردها در سطح شهر اشاره کرد. در تاریخ ۲۵ بهمن ماه ۱۴۰۲ این شرکت پس از دریافت پول خریداران بدون تحویل محصول به آن‌ها تخلیه شد و سایت این شرکت نیز از دسترس خارج شد. طبق یافته‌های موجود میزان رقم کلاهبرداری شده بین ۱۸۰ تا ۲۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است.

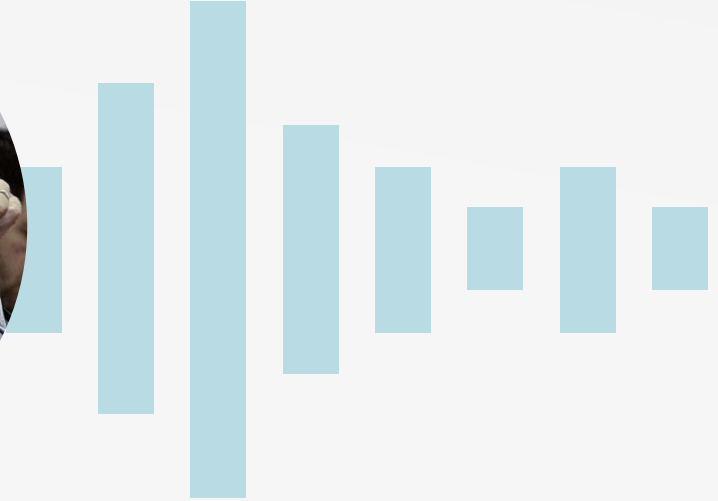
پس از این اتفاق زوایای تاریک این شرکت برملا شد. طبق گفته رئیس انجمن واردکنندگان موبایل، کورش کمپانی مجوز واردات آیفون را نداشته است و موبایل‌ها از طریق شرکت‌های واردکننده داخلی تهیه و به فروش رسیده است. همچنین این شرکت دارای ای‌نماد یا همان نماد اعتماد الکترونیکی بوده است. امیرحسین شریفیان مالک این شرکت نیز دوره نظام وظیفه را نگذرانده است و سرباز فراری محسوب می‌شود. تمامی این اتفاقات می‌تواند زنگ خطری باشد برای مفهوم اعتماد اجتماعی میان اعضای جامعه. دولت‌ها بعنوان نماینده ملت‌ها در تعاملات داخلی و بین‌المللی خود به سرمایه اجتماعی نیاز دارند. اعتماد اجتماعی که یکی از مؤلفه‌های مهم در سرمایه اجتماعی می‌باشد به معنای اعتماد به دیگر افراد و گروه‌های جامعه است. اعتماد اجتماعی به نهادها نیرو می‌بخشد و فواید اجتماعی مهمی دارد که زیربنای نظام‌های قانونی اثربخش و اجماع دموکراتیک است. انگیزه‌های ویژگی قابل اعتماد بودن را باید در تبعیت از هنجارها بدانیم. ما زمانی به لحاظ اجتماعی اعتماد می‌کنیم که عموماً باور کنیم دیگران قابل اعتماد هستند. اعتماد اجتماعی زمانی کاهش پیدا می‌کند که افراد، سرپیچی گسترده‌ای را نسبت به قوانین مشاهده می‌کنند.

اتفاقاتی همچون کورش کمپانی و حتی قبل از آن





مصاحبه با دکتر حمید مسعودی  
(عضو هیأت علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند)  
پیرامون رشته **جامعه‌شناسی**





## کارکرد و کاربرد جامعه‌شناسی چیست؟

هر کسی که جامعه‌شناسی می‌خواند دستاوردها و کارکردهای این علم را بیشتر درک می‌کند. این علم همچون سایر علوم به درک جامعه، خلق دانش و تغییر در جامعه منجر می‌شود. اما طبق تجربه من می‌توان گفت جامعه‌شناسی درک مشکلات اجتماعی همچون جنایت، فقر، نابرابری و جنبش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند. به توسعه سیاست‌های اجتماعی همچون اصلاحات آموزشی، دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی و برنامه‌های رفاه اجتماعی کمک می‌کند. در مسیر اطلاع‌رسانی شیوه‌های کسب‌وکار و مطالعات بازار همچون رفتار مصرف‌کننده، استراتژی‌های بازاریابی و پویایی محل کار نیز می‌تواند کمک کند و در ترکیب با سایر رشته‌ها مانند جغرافیا به برنامه‌ریزی علمی و بهینه شهری همچون توسعه جامعه، الگوهای جداسازی و پایداری اجتماعی نیز می‌تواند کمک کند.

## رشته جامعه‌شناسی در ایران در چه شرایطی قرار دارد؟

همانطور که علم جامعه‌شناسی در جهان جدید است، طبیعتاً در کشور ما نیز عمر زیادی ندارد. ورود جامعه‌شناسی به ایران به عنوان یک درس در سال ۱۳۱۳ توسط ویل هاوس، جامعه‌شناس آلمانی اتفاق افتاد و بعد برای اولین بار تدریس اولیه در دانشکده ادبیات و دانشسرای عالی دانشگاه تهران صورت گرفت. اسدالله بیژن و سپس غلامحسین صدیقی، ادامه‌دهندگان تدریس این درس بودند. بعد از مدتی این علم در کشور رونق گرفت به طوری که رشته علوم اجتماعی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۶ تأسیس شد و تربیت جامعه‌شناسان ایرانی آغاز شد. ابتدای این علم در کشور مصادف شد به گرایش به مارکسیسم، تئوری کنش، و ساختارگرایی که سمت و سوی خاصی به آن داد. کم‌کم در دانشگاه‌های دیگر نیز این علم شروع به آموزش کرده و منجر به تربیت جامعه‌شناسان شد که در حال حاضر در حوزه‌های مختلف مشغول به کار هستند. محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی، دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی و همچنین چالش علم بومی و غیربومی از عمده مسائل این علم در حال حاضر هست.

## جامعه‌شناسان به طور کلی چه کارهایی در جامعه می‌توانند انجام دهند؟

طبق تجربه‌ای که داشته‌ام و ارتباطی که با سایر فعالان این حوزه دارم، به نظرم در امر آموزش، پژوهش و مداخله اجتماعی جامعه‌شناسان می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. انجام تحقیق می‌تواند به ارائه بینش مبتنی بر داده در مورد مسائل اجتماعی ختم شود و در سازمان‌هایی همچون بهزیستی، زندان و شهرداری‌ها راهکارهای خوبی ارائه نماید. مشاوره اجتماعی برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران می‌تواند به ارائه تخصص برای اطلاع‌رسانی تصمیمات سیاست اجتماعی منجر شود. همچنین دانش‌آموختگان می‌توانند در سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های دولتی به توسعه و اجرای برنامه‌هایی برای رسیدگی به مشکلات اجتماعی مشغول شوند. همچنین آموزش جامعه‌شناسی و آموزش نسل‌های آینده در مدارس و دانشگاه‌ها نیز از جمله محیط‌هایی است که دانشجویان پس از اتمام تحصیل پیگیری می‌کنند.

## پایه‌های شکل‌گیری جامعه‌شناسی را باید در کجا جست‌وجو کرد؟

پایه‌های هر علمی در تلاش‌ها و برون‌دادهای اندیشمندان نخستین و کلاسیک این حوزه هست. پایه‌ها یا مبانی علم جامعه‌شناسی را هم می‌توان در نظریات افراد بزرگی همچون آگوست کنت، امیل دورکیم، کارل مارکس و ماکس وبر پیدا کرد. هر کسی که می‌خواهد به ریشه‌های این علم پی ببرد حتماً باید با نظریات این افراد آشنا باشد. آگوست کنت اصطلاح جامعه‌شناسی را ابداع و روح علمی به این حوزه داد و ادعا می‌کرد که جامعه‌شناسی منطبق با قوانین طبیعی می‌تواند مسائل و پدیده‌های جامعه را بررسی کند. امیل دورکیم هم بر حقایق، ساختارها و تأثیر آن بر افراد تمرکز کرد. کارل مارکس بر طبقات اجتماعی، قدرت، نقش اقتصاد، نابرابری، سرمایه‌داری و قدرت کارگران تأکید کرده و همچنین ماکس وبر با کمی تفاوت، کنش اجتماعی، معنای فرهنگی و پیامدهای ناخواسته اعمال انسانی را برجسته کرد.

## این علم به دنبال مطالعه و بررسی چیست؟

جامعه‌شناسی به مجموعه وسیعی از پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد که روز به روز بر تعداد و عمق آن‌ها افزوده می‌شود. پدیده‌ها و مفاهیمی همچون نهادهای اجتماعی (خانواده، آموزش، مذهب، سیاست و اقتصاد)، طبقه‌بندی و قشربندی اجتماعی (طبقه اجتماعی، نژاد، جنسیت و سایر سلسله مراتب اجتماعی)، تعامل اجتماعی (مردم چگونه ارتباط برقرار می‌کنند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند)، تغییرات اجتماعی (چگونه جوامع از طریق فرآیندهای تاریخی، تغییرات فرهنگی و جنبش‌های اجتماعی تکامل می‌یابند)، فرهنگ (باورها، ارزش‌ها و اعمال مشترکی که یک جامعه را شکل می‌دهد) و همچنین آسیب‌های اجتماعی و انحراف اجتماعی (رفتارهایی که هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کند). البته به نظر مهم‌ترین حوزه و هدف جامعه‌شناسی مطالعه تعامل، ارتباط و رابطه بین افراد در مسیر شکل‌گیری جامعه است.

## چه مفاهیمی در جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرند؟

همانطور که گفته شد جامعه‌شناسان از مفاهیم مختلفی برای تحلیل جامعه استفاده می‌کنند. برای مثال و درک بیشتر مهم‌ترین مفاهیم را می‌توان در جامعه‌پذیری (فرآیندی که طی آن افراد هنجارها و ارزش‌های جامعه خود را می‌آموزند)، کنترل اجتماعی (مکانیسم‌هایی که جوامع برای حفظ نظم و انطباق استفاده می‌کنند)، قدرت (توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران علی‌رغم مقاومت آن‌ها)، بروکراسی (سازمان‌های رسمی با سلسله مراتب و رویه‌های تعریف شده) و سرمایه اجتماعی (شبکه‌هایی از روابط و منابعی که می‌تواند برای افراد و گروه‌ها مفید باشد) خلاصه کرد.

## چه منابعی را برای مطالعه بیشتر در زمینه آشنایی با جامعه‌شناسی معرفی می‌کنید؟

کتاب‌ها و منابع خوبی برای مطالعه جامعه‌شناسی وجود دارد. اگر اهل خواندن مقاله هستید مقالات نشریات معتبر جامعه‌شناسی همچون نشریه پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، مجله جامعه‌شناسی ایران، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، مجله مطالعات اجتماعی ایران، نشریه جامعه‌شناختی، نشریه بررسی مسائل اجتماعی ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، فصلنامه رفاه اجتماعی، نشریه علوم اجتماعی، نشریه مسائل اجتماعی ایران، مجله مطالعات اجتماعی ایران پیشنهاد می‌کنم طبق سلیقه و علاقه خود بخوانید. اگر کتاب‌خوان هستید کتاب‌های انتشارات ترجمان، نی، امیرکبیر، جامعه‌شناسان، آگه و اندیشه احسان را بخوانید. در این بین کتاب‌های آنا‌تومی جامعه مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی (رفیع‌پور)، جامعه‌شناسی به زبان ساده (زیباکلام)، ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی (شارون)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی (بروس کوئن)، جامعه‌شناسی (گیدنز) برای آغاز بسیار مفید است. در نهایت فعالان جامعه‌شناسی را در شبکه‌های اجتماعی، وبسایت انجمن جامعه‌شناسی ایران و صفحات مجازی را دنبال کنید.

## مطالعه منابع و کتاب‌های جامعه‌شناسی برای غیرجامعه‌شناسان چه کاربردی دارد؟

شاید جالب باشد که بدانید برخی از افراد در رشته‌های علوم پایه و مهندسی به سمت جامعه‌شناسی گرایش پیدا می‌کنند یا در کنار تخصص فنی خود منابع جامعه‌شناسی را نیز مطالعه می‌کنند. این خود نشان از علاقه گروه‌های مختلف به این رشته دارد. جامعه‌شناسی دانش ارزشمندی را برای همه، نه فقط جامعه‌شناسان، ارائه می‌دهد. با مطالعه جامعه‌شناسی ما می‌توانیم مهارت‌های تفکر انتقادی را توسعه داده و مفروضات مربوط به جامعه و رفتار انسانی را زیر سوال ببریم. چشم‌انداز وسیع‌تری به دست آورده و نیروهای اجتماعی که زندگی ما و دیگران را شکل می‌دهند را درک کنیم. این علم باعث بهبود ارتباطات و تعامل اجتماعی و درک عمیق‌تری از پویایی‌های اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی ایجاد می‌کند. همچنین جامعه‌شناسی و توسعه آن باعث می‌شود یک شهروند آگاه‌تر شده و در مسائل اجتماعی شرکت کرده و به طور موثر در جامعه خود مشارکت کنیم. علی‌رغم درک عموم مردم، جامعه‌شناسی علمی سیاه، تلخ و بدبینانه نیست و نقطه‌های امید بسیاری به واسطه گفتگو، مشارکت، اعتماد و بردباری برای مردم فراهم می‌کند.







**کیانا رضائیان**  
 دانشجوی کارشناسی جامعه‌شناسی (۱۴۰۲)

در خیلی از موارد پدر و مادر نسبت به ورژن اصلی فرزند خود شناختی ندارند ولی هم‌اتاقی‌ها باز هم به خاطر هم سن و سال بودن و درک متقابل شناخت دارند. احساس همدردی و همدلی که بین هم‌اتاقی‌ها و هم‌خوابگاهی‌ها وجود دارد حتی ممکن است بین دو دوست صمیمی وجود نداشته باشد.

زندگی مستقل از خانواده را با هم تجربه می‌کنند، با هم بزرگ می‌شوند و مهارت‌های زندگی را با هم یاد می‌گیرند ولی با هم دوست نیستند...

هر یک از افرادی که داخل یک اتاق با هم زندگی می‌کنند ترجیح می‌دهند با یک فرد غریبه هم‌اتاقی باشند تا دوستان خود؛ چرا که معتقدند رابطه دوستی بین‌شان و احترامی که وجود دارد از بین می‌رود.

هر کدام از اعضای اتاق شخصیت واقعی و آنچه هستند داخل همان اتاق می‌گذارند و سعی می‌کنند آنچه هستند را به افراد دیگر نشان ندهند.

تجربه زندگی با اقوام و ملیت‌های مختلف در خوابگاه یکی از امتیازهای مثبت زندگی خوابگاهی است.

تصور کنید در یک اتاق ۶ نفره هر فردی از یک شهر و روستا خاص باشد. آشنایی با فرهنگ‌های مختلف، غذاها و خوراکی‌های جدید، چالش‌هایی که هر فرد به طور مجزا در منطقه خود دارد. پوشش‌ها، تفکرات خاص و عقاید مختلف، لهجه و گویش‌ها و... یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های خوابگاه است.

گاهی حتی متوجه می‌شوید که ناسازگاری‌هایی بین اقوام مختلف وجود دارد که تحت هیچ شرایطی نمی‌توان آن را حل کرد مگر با جدا کردن اتاق‌ها.

البته که بسیاری از اختلافات ارتباطی با این مورد ندارد ولی موردی هم که گفته شد در برخی از موارد وجود دارد که ناشی از اختلاف عقیده، میزان وطن پرستی و... است.

هم‌اتاقی‌ها همیشه با هم خوب و مهربان و همدرد نیستند. معمولاً بعد از ۳ ماه زندگی (یک ترم) نسبت به یکدیگر شناختی حاصل می‌کنند که مشخص می‌کند که آیا می‌توانند با هم ادامه دهند یا خیر.

خوابگاه‌های دانشجویی!

شاید تا به حال راجع به آن چیزهایی شنیده باشید یا حتی ممکن است آن را تجربه کرده باشید، ولی آیا تا کنون به آن عمیق‌تر فکر کرده‌اید؟ به اینکه چطور می‌شود با کسی که نسبت به شما هیچ شناختی ندارد در داخل یک اتاق آن هم طولانی مدت زندگی کرد؟

هم‌اتاقی، هم‌خونه، هم‌خوابگاهی از عجیب‌ترین و خارق‌العاده‌ترین گروه‌های اجتماعی است! باور نمی‌کنید؟ تصور کنید بعد از ۱۸ سال زندگی در کنار گروه خانواده که شامل پدر، مادر، خواهر و برادر می‌شود و هر کدام در گروه‌های سنی متفاوتی قرار دارند، وارد گروهی می‌شوید که با توجه به یکسان بودن گروه سنی، هیجانانگیز و احساسات یکسانی دارید و از آن جهت که نسل شما با هم برابر است یکدیگر را بهتر درک می‌کنید!

هم‌اتاقی‌ها در خوابگاه همانند خانواده از یکدیگر مراقبت و طرفداری می‌کنند، در سختی‌ها یکدیگر را تنها نمی‌گذارند و تا جایی که توان داشته‌باشند هر کاری از دست‌شان بر می‌آید برای یکدیگر انجام می‌دهند. چرا که در طول مدتی که با یکدیگر زندگی می‌کنند خواه ناخواه از گذشته یکدیگر تا حدود زیادی باخبر می‌شوند.

تصور کنید زمانی که در کنار خانواده خود نیستید اولین افرادی که خاطراتتان را با آن‌ها شریک می‌شوید هم اتاقی‌تان است.

تجربیات، خاطرات و تفکرات مشترک باعث می‌شود احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت به یکدیگر داشت. کما اینکه هم نسل یکدیگر هم باشید و در رابطه با خیلی از اتفاقات زمانه خود نظرات مشترک داشته‌باشید. حتی در خیلی از موارد هم‌اتاقیتان زودتر از پدر و مادرتان متوجه تغییر رفتار و خلق‌وخوی شما می‌شود که باز هم ناشی از تجربیات مشترک و شناخت متقابل است.

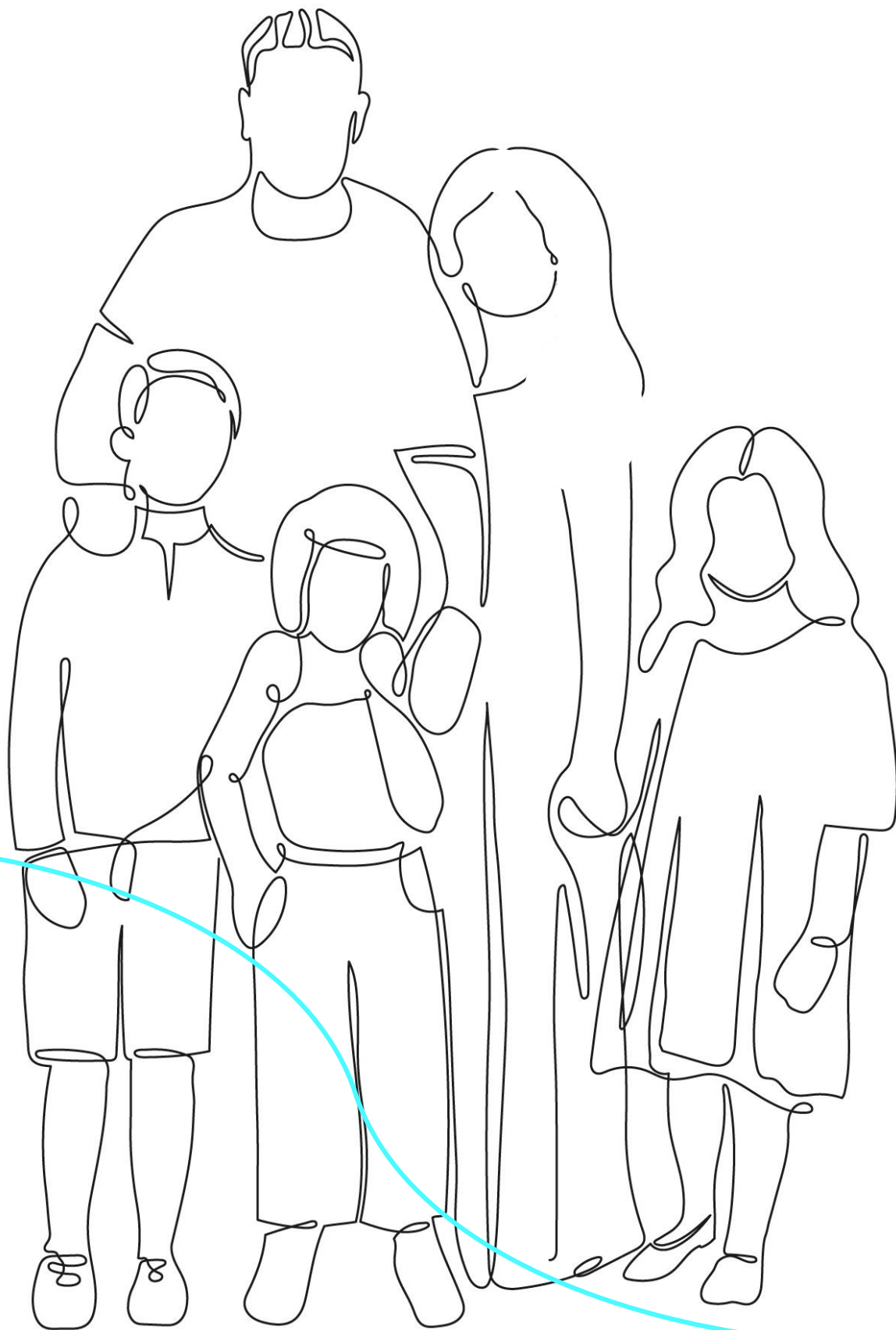


بازگشت به فهرست



# جامعه‌شناسی خانواده

نگاهی اجمالی به نظام‌های خانواده در دنیا





در اروپای غربی نظام خانواده مبتنی بر هنجار نومکانی یا تغییر محل زندگی پس از ازدواج، ازدواج در سن بالا و نسبت زیاد زنانی که هرگز ازدواج نمی‌کنند می‌باشد و در بخش شرقی (روسیه و بالکان) هنجارها برپایه پدربتاری، اقامت در خانه پدری، چهار تا هفت سال کمتر بودن سن زنان هنگام اولین ازدواج و ازدواج تقریباً همگانی است.

۲. خانواده اسلامی غرب آسیا، شمال آفریقا: اسلام، بیش از مسیحیت دینی جهانی است. خانواده اسلامی به شکل شایان توجهی از دیگر فرهنگ‌ها تاثیر پذیرفته‌است و تابع فرآیند تغییرات منطقه ای در قرن بیستم بوده‌است. ازدواج اسلامی نه نوعی آیین مقدس که یک جور قرارداد است. با این وصف، ازدواج نیز همچون روابط خانوادگی، جنسیتی و نسلی تا حد زیادی توسط شرع تنظیم می‌شود. شرع نه تنها بر اصل کلی برتری مرد دلالت دارد، بلکه آن را در قالب قواعدی انضمامی معین می‌سازد. قواعدی مانند: قیمومیت مرد، چندهمسری محدود، حق مرد برای طلاق شرعی، و تعلق فرزندان به تبار پدر. اما شرع دغدغه حفاظت از زنان به منزله افراد انسانی، حقوق ارث بری دختران - هرچند نصف پسران - و به رسمیت شناختن حق مالکیت زنان را نیز دارد که شامل حق مالکیت و مقام حقوقی زنان متاهل می‌شود.

سکسوالیته نیز از نظر اخلاقی زیان‌بار دانسته نمی‌شود، اما تهدیدی جدی برای نظام اجتماعی قلمداد می‌شود. ازدواج اجباری ممنوع است اما سکوت عروس بنا به شرع اسلامی می‌تواند بر رضایت او دلالت کند و قییم او می‌تواند سند ازدواجش را امضا کند. بدلیل ازدواج درون همسری، خانواده‌ها بسیار در هم تنیده‌اند.

## محمد رضا خلیلی

فارغ‌التحصیل رشته جامعه‌شناسی



فقط دو چیز درباره آینده خانواده مسلم است. یکم، الگوی خانواده در بخش‌های مختلف دنیا صورت‌های متفاوتی خواهد داشت و دوم، آینده صحنه‌ای به وسعت دنیا برپا خواهد کرد که در آن نمایش‌های متنوعی از خانواده اجرا خواهد شد. در موضوع خانواده اغراق سکه رایج بحث‌های عمومی است. پایان خانواده در اثر گسترش فردگرایی جامعه مدرن از یک سو و انحلال جامعه، افت جمعیت و بازگشت عصر کهن یخبندان ازسویی دیگر در جامعه وجود دارند. ادیان جهانی بزرگ و تاریخ فرهنگی تمدن‌ها نقشه‌ای جهان گستر از نظام‌های عمده خانواده در اختیارمان قرار می‌دهند و در کنار این تنوع، الگوهای مشابهی را نیز می‌توان در میان آنها یافت. گونه‌شناسی خانواده را می‌توان با مدنظر گرفتن روابط قدرت میان نسل‌ها و همسران و رویه‌ها و کردارهای مرتبط با سکسوالیته، چه در چارچوب ازدواج یا خارج آن مورد بررسی قرار داد. خانواده محصول سکسوالیته است و یکی از کارکردهایش تنظیم این است که هرکس با چه کسانی می‌تواند یا نمی‌تواند آمیزش جنسی داشته باشد. همچنین خانواده صحنه‌آرای روابط میان نسلی، فرزندآوری و حقوق و اجبارهای مرتبط با اجتماع‌پذیری، حمایت و ارث بری است.

با توجه به این مطالب به معرفی ۷ نظام اصلی خانواده در دنیا می‌پردازیم:

۱. خانواده مسیحی-اروپایی: هنجار این نظام خانواده بر تک همسری است و بواسطه کلیسای کاتولیک بر حق انتخاب آزاد شریک زندگی تاکید می‌کند. در عین حال ازدواج نکردن را هم مشروع می‌داند. نسب و میراث دو طرفه است و اجداد مادری به اندازه اجداد پدری اهمیت دارند. در این نظام مانند دیگر نقاط دنیا، جنسیت یابی اجتماعی نامتقارن، پدرسالارانه و مردگرا می‌باشد اما در مقایسه با دیگر نظام‌های اصلی جنبه پدرسالارانه شکننده‌تری دارد. این ویژگی‌ها باعث شده‌است تا زنان اروپای غربی در مقایسه با خواهران خود در دیگر نقاط از دنیا نیرومندتر باشند.





۵. الگوی خانواده جنوب صحرای آفریقا: مهم‌ترین ویژگی این بخش تعدد و تنوع هنجارهای مربوط به خانواده است و برجسته‌ترین شباهت‌شان این است که تا اواخر قرن بیستم جنوب صحرای آفریقا تنها منطقه دنیا بود که چندهمسری به صورت گسترده در آن رواج داشت. همچنین تا پایان قرن گذشته میزان زاد و ولد این منطقه بسیار بالا بود. بر خلاف جنوب آسیا، که رد و بدل جهیزیه در ازدواج رواج داشت، سنت تاریخی ازدواج‌های آفریقایی آن بود که مبلغ و یا خدماتی به خانواده عروس آینده اعطا شود. باروری ارزشی بسیار مثبت قلمداد می‌شود و کنترلی بر فعالیت جنسی زنان پیش از ازدواج اعمال نمی‌شود. خانواده‌های جنوب صحرای آفریقا تحت سلطه نیرومند و خشن قدرت مردانه‌اند.

۶. خانواده آسیای جنوب شرقی: این نوع خانواده، همانند نمونه‌های آفریقایی، از چندین منبع فرهنگی تعیین کننده بهره می‌برد که در بعد مذهبی، متکی به بودیسم و اسلام و مسیحیت و در بعد قومی-فرهنگی، متکی به آداب و رسوم مالایی بود. در این منطقه نسب معمولاً از هر دو طرف حساب می‌شود. در جریان قرن بیستم آزادی انتخاب در ازدواج رواج پیدا کرد. ازدواج تقریباً همگانی در مابقی آسیا در این منطقه نیز به استثنای اقلیتی که از ازدواج پرهیز داشتند وجود داشت، اقلیتی که با افزایش تحصیلات زنان سریعاً در حال رشد است. باید توجه داشت که همچنان این منطقه، جامعه‌ای است مبتلا به تبعیض جنسیتی و تحت سلطه مردان.

۷. خانواده کریول: محصول مواجهه خشونت‌آمیز فاتحان و اربابان اروپایی با سرخ‌پوستان و سیاه‌پوستان فرودست، برده یا محروم. دو پدیده شکل گرفت: ۱. شکل‌گیری نوعی پدرسالاری اروپایی متصلب و مبادی آداب و ۲. شکل‌گیری نظامی مبتنی بر شکارگری جنسی مردان سفید پوست و روابط جنسی غیر رسمی و نه چندان کنترل شده درون نژادی سیاه‌پوستان و سرخ‌پوستان که تقلیدی سخره‌آمیز از رفتار شکارگران حاکم بر آنها بود، خانواده‌هایی غیر رسمی و مادر محور تشکیل می‌داد. بر همین اساس این جامعه شامل میزان‌های بسیار پایین‌تر ازدواج، میزان‌های بسیار بالای هم‌خانگی غیر رسمی و زاد و ولدهای خارج از ازدواج، ناپایداری بیشتر روابط زوج‌ها و خانواده‌ها و خاندان‌های مادر محورتر می‌باشد. آینده متزلزل زندگی در زاغه‌نشین‌های آمریکا و حلی‌آبادهای آمریکای لاتین همان رویه‌هایی را در کردارهای خانوادگی و جنسی و جنسیتی بازتولید کرده‌است که در کشت‌زارها و طبقات قدیمی رایج بودند.

تغییر اصلی خانواده اسلامی در غرب آسیا و شمال آفریقا، افزایش سن ازدواج زنان و گسترش کنترل تولید مثل بوده‌است. با اعلام معاهده ۱۹۰۷ سازمان ملل برای حذف همه اشکال تبعیض علیه زنان، که به تصویب اکثر کشورها به جز ایران و عربستان سعودی رسیده‌است، جریان ضد مردسالاری این منطقه را نیز متأثر کرده‌است.

۳. الگوی خانواده جنوب آسیا: فارغ از مذاهب و امور مربوط به کشورهای این منطقه، پاکستان و شمال هند و بنگلادش پدرسالارتر از جنوب هند هستند. پاکستان در صدر کشورهایی است که ازدواج بین‌عموزادگان در آن رواج دارد، اما بخش هندی شمال شبه قاره هند با ازدواج‌های خارج از خاندان یا خارج از روستا اداره می‌شود. کاست پدیده‌ای متعلق به مذهب هندو است و ازدواج هندو درون کاست انجام می‌گیرد، ولی کاست بین مسلمانان جنوب آسیا نیز نفوذ کرده‌است. مناطق بنگلادش، هند، نپال و پاکستان مرکز جهانی زن ستیزی‌اند. در دهه ۱۹۷۰ تنها در این نقطه جهان، امید به زندگی زنان کمتر از مردان بود. در نیمه اول قرن بیستم نیز شبه قاره از نظر سن پایین ازدواج دختران شاخص بود و اکثر دختران پیش از ۱۵ سالگی ازدواج می‌کردند.

۴. خانواده کنفوسیوسی شرق آسیا: این نظام خانواده ناحیه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که از نظر تاریخی توسط تمدن چینی شکل گرفته است. ژاپن، کره، ویتنام شمالی و چین. در این مناطق رابطه پدر و پسر مهم‌ترین رابطه قلمداد می‌شد و احترام به پدر بسیار پررنگ است. ازدواج قراردادی میان خانواده‌ها بود که با توافق طرفین یا خواست شوهر قابلیت فسخ داشت. دوهمسری غیر قانونی بود، اما معشوقه‌ها از جایگاه رسمی خانوادگی به منزله همسران درجه دو برخوردار بودند و فرزندان‌شان مشروع محسوب می‌شدند. در قرن بیستم اشغال ژاپن توسط ایالات متحده و انقلاب کمونیستی در چین، خودمختاری فردی، برابری جنسیتی، و کمرنگ شدن پدرسالاری را افزایش داد و در پی آن حقوق زنان به وضوح بهبود پیدا کرد.



بازگشت به فهرست





# نیض انسانی جامعه

با تشکر از همراهی شما  
انجمن علمی جامعه‌شناسی دانشگاه بیرجند